

سه شنبه ۱ شهریور ماه ۱۴۰۱ • ۱۴۴۴ محرم ۲۴ • 23 Aug 2022



نگاهی به رسانه‌ها

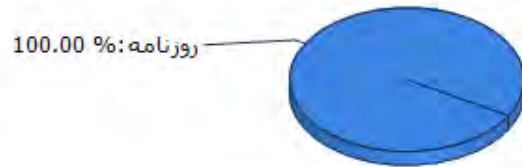
بازتاب اخبار تئاتر در روزنامه‌ها

تعداد کل محتوا : ۲۵



روزنامه

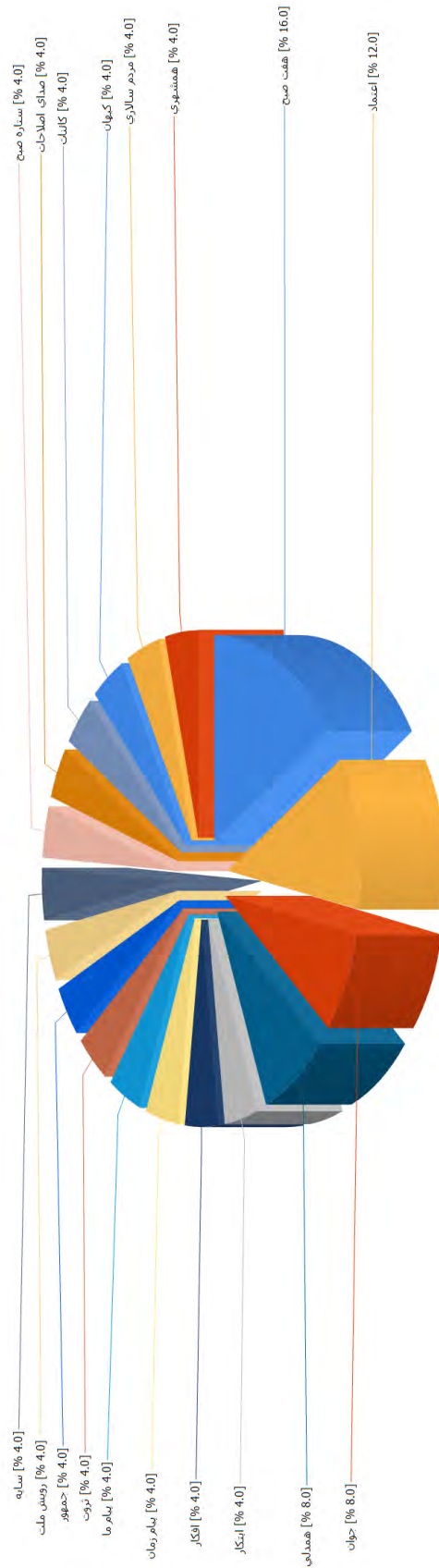
۲۵



گزارش فراوانی و درصد فراوانی مطالب مرتبط با تئاتر در رسانه های مکتوب

درصد فراوانی	فراوانی	نام منبع	ردیف
۱۶/۰	۴	هفت صبح	۱
۱۲/۰	۳	اعتماد	۲
۸/۰	۲	جوان	۳
۸/۰	۲	همدلی	۴
۴/۰	۱	ابتکار	۵
۴/۰	۱	افکار	۶
۴/۰	۱	پیام زمان	۷
۴/۰	۱	پیام ما	۸
۴/۰	۱	ثروت	۹
۴/۰	۱	جمهور	۱۰
۴/۰	۱	رویش ملت	۱۱
۴/۰	۱	سایه	۱۲
۴/۰	۱	ستاره صبح	۱۳
۴/۰	۱	صدای اصلاحات	۱۴
۴/۰	۱	کائنات	۱۵
۴/۰	۱	کیهان	۱۶
۴/۰	۱	مردم سالاری	۱۷
۴/۰	۱	همشهری	۱۸
۱۰۰	۲۵	جمع کل	

نمودار فراوانی و درصد فراوانی مطالب مرتبط با تئاتر در رسانه های مکتوب



فهرست اخبار تئاتر در رسانه های مکتوب

صفحه	عنوان	رسانه
۶	اخبار تئاتر در رسانه های مکتوب	
۷	رضا کیانیان: نغمه ثمینی دشمن نیست!	ابتکار
۸	تضمین اجرای عموم چیست؟	اعتماد
۹	تئاترهای تجربی و کارگاهی باید حمایت شوند	اعتماد
۱۰	محافظه کاران ترسیده حال و آشفته خیال	اعتماد
۱۱	کشوری بدون تئاتر کمتر در جهان شناخته می شود	افکار
۱۲	نقل روایت شاه چراغ (ع) در تئاتر صاحب‌دلان	پیام زمان
۱۳	نمایش آئنده نازنین دو اجرایی شد	پیام ما
۱۴	نغمه ثمینی دشمن نیست!	ثروت
۱۵	هنرمندان و مدیران روبروی هم نباشند	جمهور
۱۶	فضای تئاتر بازتر از قبل است - ۱	جوان
۱۷	فضای تئاتر بازتر از قبل است - ۲	جوان
۱۸	از ماجرای مالیاتی تا بلا تکلیفی یک اجرا	رویش ملت
۱۹	صاحبان ایدئولوژی و اندیشه در تئاتر از دل تئاتر دانشگاهی بیرون آمده اند	سایه
۲۰	در نشست خبری نمایش پدر چه گذشت؟	ستاره صبح
۲۱	رضا کیانیان: نغمه ثمینی دشمن نیست!	صدای اصلاحات
۲۲	رضا کیانیان: نغمه ثمینی دشمن نیست!	مردم سالاری
۲۳	مسخ عابر پیاده پشت چراغ قرمز	هفت صبح
۲۴	پیشنهاد‌های ویژه هفت صبح	هفت صبح
۲۵	مسخ عابر پیاده پشت چراغ قرمز / نقدی بر نمایش «تن داده» به کارگردانی منصور صلواتی	هفت صبح
۲۶	همان همیشگی / نگاهی به نمایش «تراژدی مکبث» به کارگردانی مهدی اصغریان	هفت صبح
۲۷	بالاخره یک تئاتر واقعی!	همدلی
۲۸	داستان زندگی چند نفر	همدلی
۲۹	صدایی که نهفته یا خاموش است	همشهری
۳۰	هنرمندان و مدیران روبروی هم نباشند	کائنات
۳۱	دم خروسی که از لباس یک شبه روشنفکر تئاتری بیرون زد	کیهان



◀ اخبار تئاتر در رسانه های مکتوب



تاریخ انتشار: سه شنبه ۱ شهریور ماه ۱۴۰۱ * ۰۸:۲۸

همزمان با نشست تئاتر «پدر» مطرح شد

رضا کیانیان: نغمه‌ی تمینی دشمن نیست!

گروه اجرایی نمایش «پدر» در آستانه اجرای عمومی این نمایش با انتقاد از ممنوع‌الفعالیت شدن بعضی از هنرمندان حمایت خود را از آنها اعلام و توضیحات مسووطی درباره حاشیه‌هایی که برای ترجمه این نمایشنامه ایجاد شده بود، ارائه کردند.



این ممنوع‌الکاری‌ها ما را اذیت می‌کند! ما به ازای هر یک نفری که نمی‌تواند کار بکند، ۱۰ نفر دیگر باید کار کنند

به گزارش ایستا، رضا کیانیان، لیلی رشیدی، ماریون وولگ، سعید چنگیزیان، سوگل خلیق به عنوان بازیگران نمایش «پدر» در کنار آرون دشت آرای (طراح و کارگردان آن) در نشست خبری که امروز ۳۱ مرداد ماه برگزار شد، به ارائه جزئیاتی درباره این اثر نمایشی پرداختند.

او با بیان اینکه سال‌ها با نغمه تمینی همکاری داشته است، با ابراز تأسف از اینکه گفته شده این سونستد اجازه فعالیت ندارد، خاطرنشان کرد: این ممنوع‌الکاری‌ها ما را اذیت می‌کند اما به ازای هر یک نفری که نمی‌تواند کار بکند، ۱۰ نفر دیگر باید کار کنند. ما قوانین را می‌پذیریم اما چیزی که آزار دهنده است برخوردهای سلیقه‌ای است. ضمن اینکه هر کشوری خط قرمزهای خود را دارد و بزرگترین سانسور نمایش‌های من در لندن از سوی آتش نشانی اتفاق افتاد.

در تکمیل سخنان او رضا کیانیان نیز گفت: من اهل گفتگو هستم. تندترین انتقادهای من مستولان کرده‌ام که بعد مرا خواسته‌اند، توضیح بدهم و مسئله حل شده. با اینکه تندترین انتقادهای ما داشته‌ام، هرگز فکر نمی‌کنم مستولان دشمن ما هستند. ضمن اینکه هیچ یک از منتقدان نمی‌توانند مطمئن باشند اگر جای مستولان بودند بهتر عمل می‌کردند.

او با ابراز تأسف از اینکه گفتگو در کشور ما ممنوع مانده، هشدار داد: اگر کشورمان دو خطی شود و همدیگر را به عنوان آدم‌های سیاه و سفید ببینیم، نه تنها به دشمن سزای کمک کرده‌ایم، در حالیکه همه ما طبعی از خاکستری هستیم. مستولان هم می‌خواهند کشور را طبق دیدگاه‌های خود درست کنند. بنابراین هرگز فکر نمی‌کنم در برابر مستولان ایستادم و آنها هم چنین فکری درباره من ندارند و این مشکل طیف بزرگی از اپوزیسیون داخل و خارج از کشور با من است. این بازیگر با اشاره به گفتگوی تلفنی خود با ایران بهانه مسئولیتی برای خود قائل شد که ویسینا و به مسئولان پیشانی‌نام و خوشحالم امروز پر قدرترین نسل کارگردان‌های تئاتر که در دهه سنی ۵۰ تا ۶۰ هستند، مشغول به کار هستند. نیم فری تانند محمد مستولان که با وجود آنان با خیال راحت از این دنیا می‌روم.

این بازیگر با اشاره به گفتگوی تلفنی خود با محمد رضایی داد، کارگردان نمایش «په گزارش زمان تروا» که هفته گذشته از اجرای نمایشش در تئاتر اصلی تئاتر شهر استراوا داده است، گفت: ایشان از دوستان خوب من است. از او پرسیدم که به نظرت من هم به دلیل انصراف گروه تو، نباید روی صحنه بروم؟! که او گفت تنها به این دلیل که اجرای نمایش منصرف شده‌ام که به من گفته شده باید اسم نغمه تمینی، سونستد این کار را بردارم.

کیانیان اضافه کرد: اگر جلوی کار یک نفر را بگیرند، ۱۰۰ نفر دیگر باید به جای او روی صحنه بروند تا متوجه شوند حذف آدم‌ها کار اشتباهی است. نغمه تمینی دشمن نیست بلکه افتخار نمایشنامه‌نویسی ایران است.

لیلی رشیدی، دیگر بازیگر این نمایش هم با انتقاد از ممنوع‌الفعالیت شدن بعضی هنرمندان افزود: هیچ یک از ما از این سانسورها و ممنوع‌الکاری‌ها خوشحال نیستیم. سال‌هاست نظارت و سانسور به یک روند عادی تبدیل شده و مدام دایره محدودیت خود را بزرگتر کرده‌ام. این رویه درست نیست. این ممنوع‌الفعالیت‌ها هم هرگز ضربه می‌زند چون یک هنرمند زمان مشخصی برای خلافت هنری دارد و این صانع‌ها، فرصت کار خلافت را از او می‌گیرد و با جمع‌های که خواستار بدهدندی از هنر اوست هم ضربه می‌زند. ما بلدیم می‌خواهد مستولان کنارمان باشند اما گاهی حس می‌کنیم آنها و ما در دو جبهه‌ایم.

ماریون وولگ، بازیگر هلندی این نمایش که قبلاً در چند نمایشنامه از نغمه تمینی بازی کرده است، نیز گفت: هر کلمه نغمه تمینی باعث رشد

دوست دارد کارش مطرح بشود. چرا مرا کارگردان می‌گرد؟

کیانیان در بخش دیگری از این نشست، در پاسخ به این پرسش که چگونه نقشی را بازی می‌کنند که پیش از آن کنونی هایدنرین را بازی در آن جایزه اسکار را گرفته، توضیح داد: اهل گل گل هستم، ضمن اینکه هایدنرین یکی از مهم‌ترین بازیگرانی است که دوستش می‌دیم. یکی از دلایل بازی من در این نمایش ویژگی بدیده پردازی کارگردان آن است. بعد از سال‌ها کار کردن با دکتر رفیعی نمی‌توانم در زندان کارگردان‌هایی بازی کنم و کار کنم که همه چیزشان از قبل مشخص است. از طرف دیگر همزمان با کار در تئاتر در هیچ پروژه دیگری کار نمی‌کنم چون آن را کپی‌فروشی می‌نامم.

او که در این نمایش نقش پدر لیلی رشیدی را بازی می‌کند، گفت: برای لیلی نگران بودم. چون او در زندگی واقعی خودش با مسئله‌ای که در این نمایش مطرح می‌کند مواجه شده است و به همین دلیل گاهی در تمرین‌ها حاشش بد می‌شد اما توانست میان نقش و واقعیت فاصله بیندازد که کار سختی بود.

کیانیان در ادامه با ابراز تأسف از کم توجهی دولت به تئاتر و سانسورهای افروزد در جهان کنسورها را سبده شد، در حالی که در این سال‌ها تماشاگران ما اضافه شده‌اند و این سرمایه بزرگی است اما متأسفانه تماشاگران تصور می‌کنند کالای فرهنگی مجانی است. به همین دلیل برای قیمت گذاری بلیت دچار مشکل شدید و در نهایت به ۱۵۰ هزار تومان رسیدیم. این در حالی است که هزینه همه چیز از جمله تولید تئاتر بسیار بالاست.

آرون دشت آرای هم با تأیید این سخن گفت: در این سال‌ها تلاش بسیاری کرده‌ام تا حمایت‌ها را از سرمایه‌گذاران، تولیدکنندگان یا کارخانجات برای تئاتر جذب کنم اما بخش خصوصی هیچ رغبتی نشان نمی‌دهد که این بخش خصوصی هیچ دشوار اقتصادی فعلی بیشتر هم شده است.

سعید چنگیزیان، دیگر بازیگر نمایش که نقش کوتاهی را در این اثر نمایشی بازی می‌کند، گفت: همیشه در یک اثر نمایشی دوست دارم عضو همراهی باشم.

همچنین ماریون وولگ با ابراز خوشحالی از اینکه برای اولین بار در تئاتر اصلی مجموعه تئاتر شهر روی صحنه می‌رود، گفت: این نقش برایم همچنان انگیز است و به شدت از تخیلی دوران کرونا دوست داشتم با این نقش کامی شوم. ضمن اینکه تئاتر اصلی یکی از بهترین سالن‌های تئاتر جهان است.

از شروع پروژه از ایشان بخواهم، لحن کار را عوض کند. از طرف دیگر به دلیل تسلط تعداد زیادی از بازیگران ما به زبان انگلیسی و فرانسه مشکلی برای ترجمه نمایشنامه در این رابطه ترجمه تازه‌ای هم پیدا کردیم که لحن آن را بیشتر دوست داشتیم و فکر می‌کنم تلاشتی خانم مترجم این است که ترجمه او را دوست نداشته‌ام. ضمناً فرژاد جدید در شرایطی بسته شد که قرارداد قبلی را فسخ کرده بودیم. در این فاصله هیچ خبری از تراحتی یا اعتراض ایشان نداشتیم تا اینکه در آستانه بازیهای نمایش از طرف مرکز فرهنگی نمایشی گفتند به دلیل شکایت این خانم، بازیهای نخواستیم داشت. ما استاد را ابراز کردیم و مرکز حق را به ما داد. تفاوت‌های هر دو ترجمه مشخص است. خانم مترجم باز هم کاری نکرد. او صبر کرد تا پیش فروش ما آغاز شود و ناگهان رویدویی عجیب منتشر کرد که همه ما را متوجه به رویدویی کرده بود. این یک تهمت بزرگ برای یک گروه نمایشی بود. نه‌تنها برنامه‌ریزی شده که بعداً با کمپینی که با عنوان نه به گروه نمایشی پدر، نه به رضا کیانیان و نه به تئاتر پدر اندازی شد، مشخص است که برنامه‌ریزی شده بوده است. فکر می‌کنم تنها دلیل این کارها این است که ایشان می‌خواهد. دیده شود و با مظلوم‌نمایی خود را قربانی نشان دهد.

او ابراز تأسف کرد: سرمایه‌های محدودی در تئاتر داریم که قرار نیست هر کسی در فضای مجازی آنها را نابود کند. کار به جایی رسیده که عده‌ای مرا تهدید می‌کنند و این دردناک است. در ادامه توضیحات دشت آرای، رضا کیانیان که در رویدویی مترجم اول نمایشنامه مورد خطاب قرار گرفته، توضیح داد: ایشان در دایرکت اینستاگرام برای من پیام گذاشته بود که به دلیل حجم بالای پیام‌ها، پیامشان را ندیده بودم. از طرف دیگر پیدا کردن تلقین من کار دشواری نیست. متأسفانه ایشان به سخنانی استناد می‌کنند که یک واسطه از زبان من نقل کرده و باز هم متأسفانه در کشور ما عده‌ای کفن پوش منتظرند، کسی یا چیزی مخالفت کند و به دنبال او بروند، بدون اینکه در جریان واقعات باشند که این کار مصداق واقعی تشویش اذهان عمومی است.

او اضافه کرد: جالب است که حتی یکی از دوستان سیاسی من هم این ماجرا را پرس و جو کرد و وقتی مدارک را به او ارائه کردم، گفت: نمی‌شود اسم این خانم را یک جایی گوشه کنار بزنید؟ خانم مترجم (خطاب به رضا کیانیان در ویدیو) از من پرسیده که در ۷۲ سالگی هنوز می‌خواهم دیده شوم، در حالی که من کارهایم را کرده‌ام و جایزه‌هایم را گرفته‌ام. اگر نقشی چاشنی برآیم نداشته باشم، نمی‌پذیرم. اما اگر این خانم

مخاطبان می‌شود و توقیف کلمات او این رشد را دچار مشکل می‌کند. حق ما نیست آثار او از ما گرفته شود.

در ادامه این نشست، گروه اجرایی که ابتدا قصد داشته نمایشنامه «پدر» را بار ترجمه سائز فلاج‌فراد اجرا کند و بعداً ترجمه دیگری را انتخاب کرده است توضیحاتی درباره حاشیه‌هایی که در فضای مجازی از سوی مترجم اول ایجاد شده بود، ارائه کردند.

دشت آرای با ابراز تأسف از شکل گیری کمپین‌هایی در فضای مجازی در مخالفت با تئاتر، گفت: تئاتر آنجانی ضعیف شده که هر کس می‌تواند کمپینی در مخالفت با آن راه بیندازد. رویدویی که توسط خانم مترجم درباره نمایش ما ضبط شده، به روند این نمایش و افراد حاضر در آن حمله کرده است بنابراین جای شکایت را برای خود گذاشته‌ام تا اگر ایشان تصمیمشان را پس بگیرند، وارد عمل شوم.

او با تشریح رویدویی که برای انتخاب مترجم نمایشنامه «پدر» طی کرده است، افزود: خانم مترجم مدعی است که ما به دلیل پرداخت نکردن رهنی تاجیز که مطالبه ایشان بوده است، از ترجمه او گذشته‌ایم. در حالیکه این رقم در میان هزینه‌های تولید نمایش بسیار ناچیز است. ایشان مدعی است از شهرویدو پارسل مشغول تمرین نمایش بوده‌ایم. در حالیکه آن مقطع پیک پروتا بود و اولین قرارداد ما با ایشان دی ماه سال گذشته بسته شد که پس از آن متوجه شدیم نمایشنامه‌های «راز» اجازه اجرا ندارند و آقای کیانیان طی گفتگو با مستولان هنری این موضوع را حل کردند. بنابراین بهمن گذشته مجوز اجرای نمایشنامه را گرفتیم. ضمن اینکه این مجوز انحصاری گروه ما نیست و همه گروه‌ها می‌توانند نمایشنامه «پدر» را اجرا کنند.

این کارگردان ادامه داد: اجرای فروردین ماه ما لغو شد چون فرصت کافی برای تمرین نداشتیم. درحالیکه قرارداد ما با خانم مترجم منوط به اجرای نمایش بود. اردیبهشت ماه یکی از اعضای گروه که با ایشان در ارتباط است، درخواست مجوز دیگری از ایشان داشت که خواستار دستمزد بیشتری شدند و ما پاسخ دادیم نمی‌توانیم این شرایط را بپذیریم و ایشان نیز موافق نبود که با همان دستمزد قبلی همکاری کند. بنابراین قرارداد را فسخ کردیم و اسنادش، همه موجود است. یعنی اینطور نبوده که ما پیش از قطع همکاری با ایشان، با مترجم دیگری قرارداد ببندیم. ضمناً اگر ایشان اعتراضی داشت باید مطرح می‌کرد اما واکنشی نشان نداد و ما هم تصور کردیم، بپذیرفته است.

دشت آرای با بیان اینکه لحن ترجمه مترجم اول را دوست نداشته است، افزود: تصمیم داشتیم بعد

سرنوشت مبهم گروه‌های نمایشی تضمین اجرای عموم چیست؟

اجرا نرویم چطور؟ آیا بعد از جشنواره فجر تضمینی برای اجرای عموم هست یا خیر؟ اگر در جشنواره مقاومت باشیم می‌توانیم در بخش مسابقه فجر شرکت کنیم یا خیر؟ اگر بخواهیم در جشنواره تئاتر فجر باشیم آیا می‌توانیم در جشنواره تئاتر مقاومت شرکت کنیم یا خیر؟ و دهها سوال دیگر که نمی‌دانم کسی جوابگو هست یا خیر.

این کارگردان تئاتر در پایان سخنان خود، تصریح کرد: از مدیران قبل که حتی از ترس ویروس کرونا به سالن نمایش ما نیامدند و برای یک تشویق خشک و خالی هنرمندانی که در بیکر کرونا توانستند نزدیک به ۴۰ شب تمامی بلیت‌های کار را پیش فروش کنند دیگر گله‌ای نداریم اما از مدیران وقت اداره کل هنرهای نمایشی و جشنواره تئاتر فجر تقاضا داریم فقط در این شرایط سخت معیشتی که هنرمند تئاتر هیچ گونه درآمدی از هیچ منبعی ندارد لطفاً اگر کمکی برای تولیدات ما نمی‌کنید لااقل با شفاف‌سازی و همیاری و همکاری بیشتر، این عرق ریزان فرهنگی را راج نهد.

به این مورد اخیر وضعیت اسفبار گروه‌های نمایشی استان‌های دیگر را هم بیفزایید. گروه‌های تئاتری شهرستان‌های ایران هر ساله چشم‌انتظار شرکت در جشنواره تئاتر فجر و رقم زدن فرصت‌های تازه‌اند. با توجه به امکانات محدود، آنها همواره نیم‌نگاهی به اجرا در فجر داشته‌اند. مدیران تئاتری هم هر بار که قرار است درباره جشنواره صحبت کنند،

می‌گویند فکر نکنید تئاتر فقط تهران است و ما می‌خواهیم همه ایران را درگیر کنیم. یکی نیست به اینها بگوید این گوی و این میدان، پس چرا گروه خوزستانی باید به چنین سرنوشتی دچار شود که برای سالن اصلی



مجموعه تئاتر شهر با او مذاکره شود. اما اتفاق دیگری رخ دهد؟ یا چرا حالا که می‌خواهد در سالن ناظرزاده مجموعه ایرانشهر روی صحنه برود، جلوی پایش سنگ‌اندازی می‌کنید؟ در فاصله چند روز مانده تا آغاز فروش بلیت این نمایش، آنها هنوز نتوانسته‌اند مجوز بگیرند و این یعنی کاسه‌ای زیر نیم کاسه است. تصمیم گیران به راحتی با عمر و روان گروه‌های نمایشی بازی می‌کنند. چطور امکان دارد نمایشی برگزیده جشنواره ملی همین نظام حالا با این وضعیت مواجه باشد و صد از کسی در نیاید؟ وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی چندی پیش تاکید کرد در دولت ما به هنرمندان شهرستان‌ها نگاه ویژه وجود دارد. مدتی گذشت که عین همین جمله بر زبان دبیر چهل و یکمین جشنواره تئاتر فجر جاری شد. حالا گروه‌های دیگر استان‌های ایران سوال می‌پرسند، قرار است سرنوشت ما هم مانند گروه برگزیده دوره قبل باشد؟ یا چطور دبیر خانه فجر به خودش اجازه داد تمام اجراهای سال ۱۴۰۱ را نادیده بگیرد و در فراخوان اعلام کند هر گروهی تئاتر تازه ساخت ما در جشنواره پذیرایش هستیم؟ پس سرنوشت این همه گروه که در طول سال زحمت کشیدند چه می‌شود؟ ماجرا همین است: خام دستنی و بی‌تجربگی در تصمیم‌گیری نتیجه‌ای جز تلف شدن نیروها و استعدادها ندارد. امری که نمونه‌های متعددی این روزها پیش روی ما قرار گرفته و همه ناباورانه تکرار تاریخ و اختراع دوباره چرخ را نظاره می‌کنیم.

کارگردان نمایش «سراط» که آماده اجرای عمومی است، وضعیت حضور آثار در چهل و یکمین جشنواره تئاتر فجر را مبهم دانسته و تاکید می‌کند مشخص نیست تضمینی برای اجرای عمومی آثار جشنواره وجود داشته باشد. مشابه عیان همین تجربه این روزها برای نمایش «مرثیه‌ای بر مرگ ژولیوس سزار» یا چند مرغ از سیمرغ» رخ می‌دهد. دو گروهی که به جمع تئاترهای بدون امنیت شغلی و حرفه‌ای اضافه شده‌اند. ماجرای نمایش «مرثیه‌ای بر مرگ ژولیوس سزار»... نقل مثنوی هفتادمن است. برگزیده خوزستانی جشنواره تئاتر فجر دوره گذشته که حالا باید برای اجرای عمومی کاسه چه کنیم؟ چه کنیم؟ به دست گیرد. مدیران اداره کل هنرهای نمایشی هر بار یک حرف می‌زنند، زمانی ریاست شورا مجوز امضا می‌کند و مدیر کل می‌گوید «نه»، زمانی با مدیر کل صحبت می‌کنید و شورای نظارت وسط اجرا سدره می‌شود. این سدره کمی تازه شروع شده و ظاهراً مسیر پرپیچ و خمی در راه است. حالا گروه جوان دیگری می‌پرسد، اصلاً چه تضمینی وجود دارد که در فجر اجرا کنیم و بتوانیم اجرای عموم داشته باشیم؟ یا اصلاً در کدام جشنواره اجرا کنیم اجازه اجرا در جشنواره تئاتر فجر لغو نمی‌شود؟ محمدرضا عطایی فر کارگردان تئاتر که در سال جاری تولید و اجرای نمایش «سراط» را در برنامه خود دارد، درباره وضعیت مبهمی که برای شرکت در چهل و یکمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر وجود دارد و اینکه آیا تضمینی برای اجرای عمومی آثار شرکت‌کننده

در جشنواره هست یا نه، به خبرنگار مهر گفت: سال گذشته در بیکر کرونا و اوج تعطیلی‌ها با نمایش «کنسرت تئاتر مرگ گرم» بعد از چندین بار تعطیل شدن در سالن قشقایی روی صحنه رفتیم. بیش از ۱۳۰ اجرا داشتیم که تمامی بلیت‌ها پیش فروش شد و بعد از چندین بار تمدید و ۲ اجرایی شدن بالاخره در خرداد به پایان اجراها رسیدیم.

او یادآور می‌شود: از آنجایی که نمایش «کنسرت تئاتر مرگ گرم» با استقبال مخاطبان روبه‌رو شده بود بسیاری از سالن‌های خصوصی دنبال اجرای مجدد و همکاری با ما بودند اما به پیشنهاد مدیران وقت تئاتری قرار شد در جشنواره تئاتر فجر و در بخش مسابقه اثر را اجرا کنیم. بعد از مدتی از بنده خواسته شد تا به جای نمایش «کنسرت تئاتر مرگ گرم»، نمایش جدیدی برای جشنواره تئاتر فجر آماده کنم و وقتی علت را جویا شدم دلایلی مصلحتی مطرح شد. به همین خاطر مجبور شدم نمایش «پاستیل زرد» را برای جشنواره تئاتر فجر با سختی‌های خاص تمرین، آماده کنم و نمایش برای جشنواره انتخاب شد. عجیب آنجا بود که به ما گفتند شما نمی‌توانید در بخش مسابقه جشنواره شرکت کنید، زیرا هنوز «پاستیل زرد» اجرای عمومی نرفته و این خلاف قوانین جشنواره است. در نهایت ما به دلایل مصلحتی سلاخی شدیم.

عطایی فر با اشاره به اینکه تصمیم‌گیری برای اجرای نمایش «سراط» در شرایط فعلی سخت و مبهم است، متذکر شد: حالا نمی‌دانیم نمایش «سراط» را که با عشق و امید آماده کرده‌ایم، اگر اجرا برویم می‌توانیم در جشنواره تئاتر فجر باشیم یا خیر و اگر

آرش دادگر مطرح کرد

تئاترهای تجربی و کارگاهی باید حمایت شوند

تغییر دهد و مخاطب به یک آگاهی مجددی از خود و صحنه دست یابد. متن برای ما به مثابه راه است. به همین دلیل ما در همه کارهای مان سعی کردیم معاصر سازی را مدنظر قرار دهیم و بتوانیم امر بیگانه سازی را برای تماشاگر روی صحنه ایجاد کنیم تا به یاد آورد، دوباره آشنا شود و مجدد لمس کند. از این رو در طراحی صحنه و لباس به سمت مینیمال رفتیم تا از حداقل ها و ابزارها بتوانیم حداکثر دریافت و داده به تماشاگر را داشته باشیم. همواره سیالیت در کارگردانی برایم مهم بوده و ریتم و فضا سازی از شاخصه هایی است که در کارهای گذشته ما تا امروز وجود داشته است.»

دادگر در پایان صحبت هایش به نکته مغفول مانده این روزهای تئاتر اشاره می کند: «نمایش «پیش از کشتن» یک تجربه و یک کار کارگاهی است و قرار نیست حتما بگوییم موفق بوده ایم. دستاوردهای مان را با دیگران تقسیم می کنیم و این دستاوردها می تواند



ما را پیش ببرد. به اعتقاد من تئاتر بدنه، تئاتر تجربی و تئاتر کارگاهی، باید حمایت شود، چراکه اگر نباشد تئاتر به یک سترونی کامل می رسد آنچه اکنون شاهد آن هستیم.» در خلاصه داستان نمایش «پیش از کشتن» می خوانیم: «آگاممنون برای پیروزی در جنگ تروا مجبور می شود دختر خود ایفی ژنی را قربانی کند. مادر آن دختر (کلمنتسترا) پس از بازگشت فاتحانه آگاممنون از جنگ ۱۰ ساله، شوهرش را در وان حمام با تبر به قتل می رساند. سال ها بعد الکترا و اورست (فرزندان دیگر خانواده) به انتقام قتل پدرشان، مادر خود را به همراه معشوقش (آگیستوس) می کشند.»

آرش دادگر معتقد است تئاتر بدنه، تئاتر تجربی و تئاتر کارگاهی باید حمایت شود، چراکه اگر نباشد تئاتر به یک سترونی کامل می رسد. این کارگردان در گفت و گو با هنر آنلاین درباره روند شکل گیری «پیش از کشتن» توضیح می دهد: «از اسفند ۹۹ کارگاهی با حضور ۲۲ هنرجو با موضوع «آموزش تا اجرا» برگزار کردم و در مدت زمان آموزش با شهرام احمدزاده روی متن «اورستیا» اثر آیسخولوس شروع به همفکری کردیم تا نمایشنامه ای آماده و برای این آموزش استفاده شود. حاصل این همفکری نمایشنامه «پیش از کشتن» شد که با نام «چه کسی فرمانده را کشت» در بخش مهمان جشنواره تئاتر فجر طی دو اجرا روی صحنه آمد و سپس در

اسفند ۱۴۰۰ حدود پنج ماه تمرین داشتیم تا با تغییر بسیار زیاد در گروه اجرایی و متن، نمایش «پیش از کشتن» برای اجرا در پردیس تئاتر شهرزاد آماده شد. «پیش از کشتن» درباره انتقام شخصی و خانوادگی است.

قتلی که در خانواده رخ می دهد و از نسلی به نسل دیگر جریان می یابد و دامنه آن قطع نمی شود. این کشتار خانوادگی است و خانواده به عنوان نهادی که جامعه را می سازد و به آن شکل می دهد، در درون خود دچار یک فروپاشی بسیار هولناک شده است. خواسته های شخصی، قدرت طلبی، غرور و تکبر و زیاده خواهی موجب این قضیه شده است.»

او همچنین درباره سبک و فضای اجرایی نمایش می گوید: «سبک و فرم اجرای گروه تئاتر کوآنتوم در دو دهه فعالیت، رسیدن به راهکارهای جدید برای اجراست که بتواند زاویه نگاه تماشاگر را نسبت به رویدادی که در صحنه اتفاق می افتد،



کشوری بدون تئاتر کمتر در جهان شناخته می شود

دانشمند بزرگ و تصریح کرد: لیلی رشیدی به عنوان دیگر بازیگر این اثر نمایشی برای پذیرفتن این نقش چالش های سخت تری داشت. چرا که در ماه های پایانی زندگی جناب داوود رشیدی او از نزدیک تجربه برخورد با چنین بیماری را از نزدیک لمس کرده بود. به همین دلیل بارها در حسین تمرین این اثر نمایشی سخت به گر به افتاد. اما در نهایت توانست بین خود و کاراکتری که ایفا می کند فاصله های را ایجاد کند و این نشان دهنده قدرت او در عرصه بازیگری است.

در هر کشوری که سینما و تئاتر جان و حیات داشته باشند آن کشور در تمام جهان راحت تر شناخته می شود. در نقطه مقابل در کشورهایی که به تئاتر و سینما توجهی نمی کنند و آن را در حاشیه قرار می دهند به همان میزان در جهان نیز کمتر شناخته شده هستند.

به بازیگری مثل کار کارمندی فکر نمی کنم کیانیان در ادامه این نشست با اشاره به آنکه من یک بازیگر بداهه پردازم و ممکن است در لحظه ۱۰ ایده به ذهنم برسد و نمی توانم با کارگردان هایی که من را در چارچوب قرار می دهند، کار کنم گفت: زمانی که تئاتر کار می کنم هیچ وقت فیلم یا سریالی را نمی پذیرم. چون نیاز به کشف و خلاقیت دارم و به بازیگری مثل کار کارمندی فکر نمی کنم. من باید روی کارم متمرکز باشم و برایم مرحله تمرین در تئاتر بسیار مهمتر از زمان اجرا است.

هنوز این فرهنگ برای تماشاگر ما جا نیفتاده که برای دیدن یک نمایش خوب باید هزینه کند.

کیانیان گفت: زمان آقای سمندرپان و رفیعی از آثار حمایت می شد و مثلا اگر از دکور عظیم کارهای آقای رفیعی حمایت نمی شد اصلا نمی توانست کارش را به صحنه برود. اما متأسفانه در سال های اخیر اجرای چنین آثار بزرگی که به بازیگر و دکور و کیفیت اهمیت می دهند به فراموشی سپرده شده و از زمان آقای احمدی نژاد تئاتر را کوچک و کوچک و کوچک تر کردند.

این بازیگر پیشکسوت تصریح کرد: باور کنید با وجودی که بلیت نمایش سه دلیل تورم و گرانی ۱۵۰ هزار تومان گذاشته شده، اگر با تمام ظرفیت هم اجرا برویم تنها هزینه ها را پاسخگو خواهیم بود، هنوز این فرهنگ برای تماشاگر ما جا نیفتاده که برای دیدن یک نمایش خوب باید هزینه کند در حالی که حاضر است برای یک بیتزا ۳۰۰ هزار تومان پول بدهد اما فکر می کند تئاتر و فرهنگ و کتاب باید مجاني باشد. تئاتر پیشانی فرهنگ یک کشور است و در همه کشورهای دیگر همه بار هزینه ها روی دوش تماشاگران نیست و دولت به گروه ها کمک زیادی می کند.

را از قشری متوسط ایرانی بازی کردم. حال در قامت یک کاراکتر خارجی که متعلق به قشر متوسط رو به بالاست نقش فردی را بازی می کنم که درگیر همین بیماری است. این زبان بین چالش بازیگری برای من است که ببینم می توانم با شهامت، حقانیت هر دو نقش و دو شخصیت متفاوت را به درستی به مخاطب ایفا کنم یا خیر؟!

این بازیگر با بیان آنکه بارها به من گفته اند که با وجود اجرای این اثر نمایشی در کشورهای مختلف جهان و ساخت فیلم «سدر» به کارگردانی فلورین زلر - نمایشنامه نویس این اثر - و درخشش آن در اسکاتلند چرا ایفای این نقش را پذیرفتم خاطر نشان کرد. نخست آنکه من کل کل در بازیگری را دوست دارم. دوم اینکه وقتی من ایفای نقش این کاراکتر که بیش از این توسط آنونس های پکینز بازی شده را می دیدم در کنار لذت پیشنهادهایی هم برای صحنه ها و گنش های مختلف این کاراکتر داشتم و حال در صحنه تئاتر آنرا ایفا خواهیم کرد.

بازیگر نمایشی یک روز خاطر مانگیز برای

وی ادامه داد به جز خانم مارسن ون هولک تمامی اعضای گروه اولین بار است که تجربه سازی روی صحنه را دارم اما به یک اصل معتقدم و آن این که بازیگر در حضور صحنه باید توانایی خود را نشان بدهد و این توانایی ارتباطی به کوتاهی یا بلندی نقش ندارد.

این بازیگر پیش کسوت تصریح کرد: از حضور سعید چنگیزیان و ایفای نقشش در این اثر نمایشی بسیار خوشحالم؛ چرا که او نقشی کوچک را انتخاب کرده اما خواهید دید که این نقش چگونه بزرگ و درخشان خواهد بود. من نیز بیشتر تمایل به پذیرفتن نقش های کوچک و نقش های چالش برانگیز دارم. چرا که احساس می کنم برخلاف همه که به دنبال تعداد کلمات و بلندی نقش هستند این چالش برانگیز بودن و چند وجه و جبهی بودن شخصیت است که می تواند هنر بازیگری و عیار او را به مخاطب نشان دهد.

کیانیان در فرازی دیگر از صحبت های خود درباره ایفای نقش یک مرد پایه سن گذاشته که گرفتار بیماری الزایمر شده یاد آور شد: پیش از این یکبار نقش یک بیمار الزایمری

رضا کیانیان بازیگر نمایش «سدر» گفت: کشورهایی که سینما و تئاتر در آن به حاشیه رانده می شود کمتر در عرصه جهانی شناخته می شوند و آرون دشت آرای کارگردان این اثر نمایشی نیز گفت: نسل بازیگرانی چون رضا کیانیان رو به کمرنگ شدن هستند.

نشست خبری نمایش بدر به نویسندگی فلورین زلر و کارگردانی آرون دشت آرای با حضور رضا کیانیان؛ لیلی رشیدی؛ سوگل خلیق؛ سعید چنگیزیان و ماریون ون هولک، به عنوان بازیگران این اثر ظهر امروز - دوشنبه ۳۱ مرداد ماه - در تالار مشاهیر مجموعه تئاتر شهر برگزار شد.

ایفای هنر بازیگری ارتباطی به بلندی و کوتاهی نقش ندارد.

کیانیان در ابتدای این نشست با بیان این که مهم ترین کار و حرفه من بازیگری است یاد آور شد: با وجود آن که خوشحالم که با یک گروه حرفه ای و خوب همراه هستم اما در فاصله کم تر از یک هفته به اجرا هنوز هم با وجود سابقه بارها اجرای صحنه های ایفای نقش جلوی دوربین اضطراب شدیدی دارم.



رضا کیانیان بازیگر نمایش «سدر» گفت: کشورهایی که سینما و تئاتر در آن به حاشیه رانده می شود کمتر در عرصه جهانی شناخته می شوند و آرون دشت آرای کارگردان این اثر نمایشی نیز گفت: نسل بازیگرانی چون رضا کیانیان رو به کمرنگ شدن هستند.

نقل روایت شاه چراغ (ع) در تئاتر «صاحب‌دلان»

اصغر آقاصادقی از هنرمندان حاضر در دوازدهمین دوره رویداد «صاحب‌دلان» معتقد است در مجلس شاه‌چراغ (ع) تأکید بیشتر روی صبر و شکیبایی خانواده امامان (ع) در مسیر حق‌طلبی و مبارزه ایشان با ظلم است. به گزارش زمان به نقل از مهر، اصغر آقاصادقی از هنرمندان حاضر در دوازدهمین دوره تئاتر «صاحب‌دلان» که با مجلس شاه‌چراغ در این رویداد حضور دارد در این باره گفت: ابتدا قرار بود با تعزیه حضرت علی‌اکبر (ع) در این رویداد حضور یابیم اما از آنجا که دیگر گروه‌ها در این دوره به این برش از قیام کربلا پرداخته بودند، تصمیم گرفتیم به سراغ مجلس شاه‌چراغ (ع) برویم که از بستر روایت این جریان، گذری نیز بر واقعه عاشورا داشته باشیم. حال آنکه در این اثر، تأکید بیشتر روی صبر و شکیبایی خانواده امامان در مسیر حق‌طلبی و مبارزه ایشان با ظلم و جور است. وی درباره مضمون مجلس شاه‌چراغ بیان کرد: در زمان امامت امام رضا (ع)، سه تن از برادران حضرت به نام‌های شاه‌چراغ، علاءالدین و ابراهیم در حالی برای ملاقات با امام راهی ایران می‌شوند که خواهرشان حضرت معصومه (س) حین خداحافظی در دل‌تنگی‌شان بی‌تابی می‌کردند و برادران ایشان، او را همچون حضرت زینب (س) در واقعه کربلا توصیه به صبر و شکیبایی می‌کنند. در میان راه و شهر شیراز برادران امام با موانعی بر سر راهشان مواجه می‌شوند و حین درگیری‌ها توسط قاصدی متوجه به شهادت رسیدن امام رضا (ع) می‌شوند و افسوس می‌خورند که به دیدار برادر نائل نیامدند.



تاریخ انتشار: سه شنبه ۱ شهریور ماه ۱۴۰۱ * ۰۸:۲۸



نمایش «آلنده نازنین» دو اجرایی شد |

نمایش «آلنده نازنین» به کارگردانی محمد برهمنی در تالار چهارسو مجموعه تئاتر شهر به دلیل استقبال تماشاگران دو اجرایی شد. به نقل از وبسایت تیوال و به گزارش روابط عمومی مجموعه تئاتر شهر، نمایش «آلنده نازنین» به کارگردانی محمد برهمنی به دلیل استقبال تماشاگران از روز دوم تا هشتم شهریورماه طی دو نوبت و در ساعاتی ۱۶:۳۰ و ۱۹:۳۰ پذیرای مخاطبان در تالار چهارسو مجموعه تئاتر شهر است. در خلاصه داستان نمایش آمده است: کارگردان تئاتری در آرزوی اجرا کردن اثری باشکوه و جاه طلبانه است؛ آن هم نه اجرایی معمولی. اجرایی با روشی منحصر به فرد و با رعایت هفت قانونی که خود آن‌ها را نوشته و اصرار دارد موبه‌مو اجرا شود.

رضا کیانیان: نغمه ثمینی دشمن نیست!



لیلی رشیدی، دیگر بازیگر این نمایش هم با انتقاد از ممنوع‌الفعالیت شدن بعضی هنرمندان افزود: هیچ یک از ما از این سانسورها و ممنوع‌الکاری‌ها خوشحال نیستیم. سال‌هاست نظارت و سانسور به یک روند عادی تبدیل شده و مدام دایره محدودیت خود را بزرگتر کرده‌ایم اما این رویه درست نیست. این ممنوع‌الفعالیتی‌ها به هنرمند ضربه می‌زند چون یک هنرمند زمان مشخصی برای خلاقیت هنری دارد و این ممانعت‌ها، فرصت کار خلاقه را از او می‌گیرد و به جامعه‌ای که خواستار بهره‌مندی از هنر اوست هم ضربه می‌زند. ما دل‌مان می‌خواهد مسئولان کناره‌مان باشند اما گاهی حس می‌کنیم آنها و ما در دو جبهه‌ایم.

مارین ون هولک، بازیگر هلندی این نمایش که قبلاً در چند نمایشنامه از نغمه ثمینی بازی کرده است، نیز گفت: هر کلمه نغمه ثمینی باعث رشد مخاطبان می‌شود و توقیف کلمات او این رشد را دچار مشکل می‌کند. حق ما نیست آثار او از ما گرفته شود. در ادامه این نشست، گروه اجرایی که ابتدا قصد داشته نمایشنامه «پدر» را بار ترجمه ساناز فلاح‌فرد اجرا کند و بعداً ترجمه دیگری را انتخاب کرده است توضیحاتی درباره حاشیه‌هایی که در فضای مجازی از سوی مترجم اول ایجاد شده بود، ارائه کردند.

دشنت آرای با ابراز تأسف از شکل گیری کمپین‌هایی در فضای مجازی در مخالفت با تئاتر، گفت: تئاتر آنچنان ضعیف شده که هر کس می‌تواند کمپینی در مخالفت با آن راه بیندازد. ویدئویی که توسط خانم مترجم درباره نمایش ما ضبط شده، به برند این نمایش و افراد حاضر در آن حمله کرده است بنابراین جای شکایت را برای خودم گذاشتم تا اگر ایشان تصمیم‌شان را پس بگیرند، وارد عمل شوم.

تصمیم گرفتم ایران بمانم مسئولیتی برای خود قائل شدم که تئاتر و سینما را به مسئولان بشناسانم و خوشحالم امروز پر قدرت‌ترین نسل کارگردان‌های تئاتر که در رده سنی ۴۰ تا ۵۰ هستند، مشغول به کار هستند. نسل پر قدرتی مانند محمد مساوات که با وجود آنان با خیال راحت از این دنیا می‌روم.

این بازیگر با اشاره به گفت‌وگوی تلفنی خود با محمد رضایی راد، کارگردان نمایش «به گزارش زنان تروا» که هفته گذشته از اجرای نمایشش در تالار اصلی تئاتر شهر انصراف داده است، گفت: ایشان از دوستان خوب من است. از او پرسیدم به نظرت من هم به دلیل انصراف گروه تو، نباید روی صحنه بروم؟! که او گفت تنها به این دلیل از اجرای نمایش منصرف شده‌ام که به من گفته شده باید اسم نغمه ثمینی، نویسنده این کار را بردارم.

کیانیان اضافه کرد: اگر جلوی کار یک نفر را بگیرند، ۱۰۰ نفر دیگر باید به جای او روی صحنه بروند تا متوجه شوند حذف آدم‌ها کار اشتباهی است. نغمه ثمینی دشمن نیست بلکه افتخار نمایشنامه‌نویسی ایران است.

قرمزهای خود را دارد و بزرگترین سانسور نمایش‌های من در لندن از سوی آتش نشانی اتفاق افتاد.

در تکمیل سخنان او رضا کیانیان نیز گفت: من اهل گفت‌وگو هستم. تندترین انتقادهای را از مسئولان کرده‌ام که بعد مرا خواسته‌اند، توضیح داده‌ام و مسئله حل شده. با اینکه تندترین انتقادهای را داشته‌ام، هرگز فکر نمی‌کنم مسئولان دشمن ما هستند. ضمن اینکه هیچ یک از منتقدان نمی‌توانند مطمئن باشند اگر جای مسئولان بودند بهتر عمل می‌کردند.

او با ابراز تأسف از اینکه گفت‌وگو در کشور ما مغفول مانده، هشدار داد: اگر کشورمان دو قطبی شود و همدیگر را به عنوان آدم‌های سیاه و سفید ببینیم، تنها به دشمن سازی کمک کرده‌ایم. در حالیکه همه ما طیفی از خاکستری هستیم. مسئولان هم می‌خواهند کشور را طبق دیدگاه‌های خود درست کنند. بنابراین هرگز فکر نمی‌کنم در برابر مسئولان ایستاده‌ام و آنها هم چنین فکری درباره من ندارند و این مشکل طیف بزرگی از اپوزیسیون داخل و خارج از کشور با من است.

کیانیان تأکید کرد: از زمانی که

گروه اجرایی نمایش «پدر» در آستانه اجرای عمومی این نمایش با انتقاد از ممنوع‌الفعالیت شدن بعضی از هنرمندان حمایت خود را از آنها اعلام و توضیحات مبسوطی درباره حاشیه‌هایی که برای ترجمه این نمایشنامه ایجاد شده بود، ارائه کردند.

به گزارش ایسنا، رضا کیانیان، لیلی رشیدی، مارین ون هولک، سعید چنگیزیان، سوگل خلیق به عنوان بازیگران نمایش «پدر» در کنار آروند دشنت آرای (طراح و کارگردان آن) در نشستی خبری که امروز ۳۱ مرداد ماه برگزار شد، به ارائه جزئیاتی درباره این اثر نمایشی پرداختند.

در بخشی از این نشست، دشنت آرای با بیان اینکه نمایش «پدر» مشکل ممیزی نداشته است، افزود: می‌دانم این روزها بعضی گروه‌ها دچار مشکل ممیزی شده‌اند. در حالیکه هنرمندان خطوط قرمز را می‌دانند و با توقیف آثار، کاری از پیش نمی‌رود. لازم است با گفت‌وگو دنبال راه حل برویم. نه اینکه جلوی اجرای نمایش‌ها یا جلوی فعالیت بعضی هنرمندان را بگیریم.

او با تأکید بر اینکه ناچار به گفت‌وگو هستیم، ادامه داد: وقتی می‌پذیریم در کشوری نمایش اجرا کنیم باید قوانین مربوط به آن را هم بپذیریم. اگر دائماً دنبال دشمن‌سازی باشیم، پس اصلاً نباید کاری انجام بدهیم.

او با بیان اینکه سال‌ها با نغمه ثمینی همکاری داشته است، با ابراز تأسف از اینکه گفته شده این نویسنده اجازه فعالیت ندارد، خاطرنشان کرد: این ممنوع‌الکاری‌ها ما را اذیت می‌کند اما به ازای هر یک نفری که نمی‌تواند کار کند، ۱۰ نفر دیگر باید کار کنند. ما قوانین را می‌پذیریم اما چیزی که آزار دهنده است برخورد‌های سلیقه‌ای است. ضمن اینکه هر کشوری خط

در نشست رسانه‌ای «پدر» مطرح شد:

هنرمندان و مدیران روبروی هم نباشند

در نشست رسانه‌ای «پدر» کارگردان و بازیگران نمایش با اشاره به ویژگی‌های نمایش درباره وضعیت تئاتر کشور و حاشیه‌هایی که در چند روز اخیر برای انتخاب ترجمه نمایشنامه به وجود آمده، توضیحات دادند.

به گزارش خبرنگار مهر، نشست رسانه‌ای نمایش «پدر» صبح امروز ۳۱ مرداد ماه با حضور آرون دشت آرای کارگردان نمایش و رضا کیانیان، سعید چنگیزیان، ماریون ون هولک، لیلی رشیدی و سوکل خلیق بازیگران نمایش در مجموعه تئاترشهر برگزار شد.

در ابتدا دشت آرای با اشاره به اینکه از گذشته علاقه‌مند به اجرای نمایشنامه «پدر» بوده است، گفت: خوشحالم که آقای کیانیان قبول کردند که در نمایش حضور داشته باشند. فکر می‌کنم این نمایشنامه بهترین اثر زلز است و اسکار هم گرفته بنابراین تصمیم گرفتم با شوهایی متفاوت آن را به صحنه ببرم.

در ادامه بازیگران توضیحات کوتاهی درباره حضورشان در این نمایش دادند و ابراز امیدواری کردند که اتفاقات خوبی در انتظار اجرا باشد.

دشت آرای درباره انتخاب این متن برای اجرا بیان کرد: منظور یک بازی کاملاً متفاوت از رضا کیانیان باشه. ایشان به دلیل روحیه منحصر به فرد، انرژی و نوع نگاهی که به بازیگری داشتند و مبتنی بر بداهه‌پردازی است انتخاب مناسبی برای اجرای این نقش هستند. من خیلی خوش شانس بودم که در این نمایش با بازیگران به این خوبی کار کردم. آقای کیانیان هم با به پای ما آمدند و همراه بسیار خوبی بودند. من بعد از سال‌ها که آثارم را به صورت کارگاهی شکل می‌دم تصمیم گرفتم به متن بازگردم از طرف دیگر نمایشنامه «پدر» این امکان را به شما می‌دهد که تمام کارهایی که مد نظرتان است، انجام دهید چیزی از آن فراتر نروید. خبلی‌ها به من می‌گفتند که چرا «پدر» را انتخاب کردی چون خود زلز فیلم آن را با بازی خوب آنتونی هاپکینز ساخته است اما من فکر می‌کنم اصولاً این اثر مناسب صحنه است و باید به شکل یک تئاتر اجرا شود.

در ادامه خلیق درباره چالش ایفای نقش در این نمایش گفت: هر کدام از ما از نور یا نزدیک با مشکلات بیماری آلزایمر در پدر و مادر و بزرگترهایمان روبرو هستیم. خود من مدت کوتاهی با بیماری شبیه به این برخورد داشتم و عزیزم را از دست دادم. مهمترین چیز در برخورد با این بیماری این است که احساساتی نشویم. برای حضور در این نمایش نیز تلاشم را کردم که هر تجربه‌ای از قبل داشتم کنار بگذارم و انگار برای اولین بار است که با این چالش روبرو می‌شوم.

دشت آرای: ما می‌خواهیم یک کار با کیفیت به مخاطب ارائه دهیم اما هیچ سوسپسید و حمایت مالی حتی از برندها و صاحبان سرمایه برای تئاتر وجود ندارد. مشکل این است که ما بخش خصوصی را نمی‌توانیم وارد حوزه فرهنگ کنیم و اگر اداره کل هنرهای نمایشی هم از ما حمایت نکند شاید ما آخرین گروه‌هایی باشیم که به این شیوه تئاتر اجرا می‌کنند.

این کارگردان تئاتر افزود: در این نمایش بسیار وفادار به متن بودم. در این نمایش به مینیمال ترین شکل ممکن نمایش را طراحی کردیم، و همه بار نمایش روی شوی بازیگران است.

کیانیان درباره اینکه با وجود فیلم خوبی که از این متن ساخته شده چرا در نمایش بازی کرده، بیان کرد: خب من اهل کل کل هستم. آنتونی هاپکینز از بازیگران مورد علاقه من است و وقتی نقش هایش را می‌بینم پیشنه‌هایی به اجراش دارم که حالا فرصت پیش آمده خودم این پیشنهادات را روی صحنه عملی کنم. اما یکی از دلایل قبول کردنم خود آرون است. من یک

بگیریم و نمایش کلیشه‌ای از کار در نیابیم.

چنگیزیان نیز یادآور شد: در گذشته‌های دور که برای اولین بار آقای کیانیان را روی صحنه دیدم هرچقدر که در کتاب‌ها خوانده بودم در بازی ایشان پید کردم و آدم دیگر چه چیزی می‌خواهد. الان هم بعد از تجربیاتی که به دست آوردم برای کمک آمده‌ام تا هرچه از دستم برمی‌آید منتقل کنم.

کیانیان در ادامه صحبت‌های چنگیزیان عنوان کرد: به جز ماریون با بقیه بچه‌ها اولین بار است که کار می‌کنم. سعید چنگیزیان هم این روزها جزو بزرگترین بازیگران ایران است و ما این ترس را داشتیم که چنگیزیان به دلیل کوتاهی نقش، آن را نپذیرد اما وقتی پذیرفت ما خیلی خوشحال شدیم. ما به ایفای نقش‌ها به آن‌ها هویت می‌دهیم و اگر فرد بی‌تجربه‌ای این نقش را ایفا می‌کرد کار به درستی از کار در نمی‌آمد. من برای لیلی رشیدی هم ناراحت بودم چون به تازگی در زندگی شخصی‌اش با این مشکل روبرو بود اما به درستی توانست بین زندگی واقعی و تئاتر تفاوت قائل شود. من قبلاً در سینما در نقش یک بیمار آلزایمری بازی کردم که از قشر متوسط بود و الان در تئاتر دوباره در چنین نقشی از طبقه بالا و خارجی بازی می‌کنم که برای خودم چالش بزرگی است و قضاوتش با مخاطب است. وقتی کشوری تئاتر و سینما نداشته باشد آسایش کمتر در دنیا شنیده می‌شود از این رو هنر و فرهنگ ما نیاز به حمایت برای دیده شدن دارد. رشیدی نیز درباره دلیل حضورش در این نمایش بیان کرد: هم بودن در کنار آرون و هم خود متن باعث شد دوست داشته باشم در این نمایش حضور داشته باشم.

چنگیزیان درساره صحبت‌هایی که قبلاً درباره خداحافظی‌اش از تئاتر مطرح کرده بود، گفت: حتماً آن دوران تحت تأثیر ایلی حرف را زده بودم اما در واقع دوست دارم کم و به اندازه بازی کنم و شاید این حرف‌ها را زده‌ام که کمتر سراغم بیایند. اما الان هدفم همراه تسلسن با گروهی بود که می‌توانیم با هم یکی باشیم و دیگر اینکه یک بازیگر احتیاج به تمرین و تمرین دارد تا آماده بماند.

دشت آرای با اشاره به حمایتی که از تئاتر نمی‌شود، گفت: دکور نمایش ۱۳ متر در هوا معلق است و ما در طراحی لباس و ویدئو مینیچک و موارد دیگر نمی‌توانستیم کوتاه بایسیم و همه این کارها در کنار تمرین و تولید برای این است که می‌خواهیم یک کار با کیفیت به مخاطب ارائه دهیم اما هیچ سوسپسید و حمایت مالی حتی از برندها و صاحبان سرمایه برای تئاتر وجود ندارد. مشکل این است که ما بخش خصوصی را نمی‌توانیم وارد حوزه فرهنگ کنیم و اگر اداره کل هنرهای نمایشی هم از ما حمایت نکند شاید ما آخرین گروه‌هایی باشیم که به این شیوه تئاتر اجرا می‌کنند.

این کارگردان تئاتر افزود: در این نمایش بسیار وفادار به متن بودم. در این نمایش به مینیمال ترین شکل ممکن نمایش را طراحی کردیم، و همه بار نمایش روی شوی بازیگران است.

کیانیان درباره اینکه با وجود فیلم خوبی که از این متن ساخته شده چرا در نمایش بازی کرده، بیان کرد: خب من اهل کل کل هستم. آنتونی هاپکینز از بازیگران مورد علاقه من است و وقتی نقش هایش را می‌بینم پیشنه‌هایی به اجراش دارم که حالا فرصت پیش آمده خودم این پیشنهادات را روی صحنه عملی کنم. اما یکی از دلایل قبول کردنم خود آرون است. من یک

بازیگر بداهه پردازم و ممکن است در لحظه ۱۰ ایده به ذهنم برسد و نمی‌توانم با کارگردان‌هایی که من را در چارچوب قرار می‌دهند، کار کنم؛ من زمانی که تئاتر کار می‌کنم هیچ وقت فیلم یا سریالی را نمی‌پذیرم چون نیاز به کشف و خلاقیت دارم و به بازیگری مثل کار کارمندی فکر نمی‌کنم. من باید روی کار متمرکز باشم و برایم مرحله تمرین در تئاتر بسیار مهمتر از زمان اجرا است.

وی ادامه داد: زمان آقای سمندریان و رفیعی از آثار حمایت می‌شد و مثلاً اگر از دکور عظیم کارهای آقای رفیعی حمایت نمی‌شد اصلاً نمی‌توانست کارش را به صحنه برسد. اما متأسفانه در سال‌های اخیر اجرای چنین آثار بزرگی که به بازیگر و دکور و کیفیت اهمیت می‌دهند به فراموشی سپرده شده و همه نمایش‌ها تبدیل به آثار پرتابل شده‌اند و از زمان آقای احمدی نژاد تئاتر را کوچک و کوچک و کوچک‌تر کرده‌اند. باور کنید با وجودی که بلیت نمایش به دلیل تورم و گرانی ۱۵۰ هزار تومان گذاشته شده، اگر با تمام ظرفیت هم اجرا برویم تنها به به بر خواهیم شد. هنوز این فرهنگ برای تماشاگر ما جا نیفتاده که برای دیدن یک نمایش خوب باید هزینه کند در حالی که حاضر است برای یک پیترزا ۳۰۰ هزار تومان پول بدهد اما فکر می‌کند تئاتر و فرهنگ و کتاب باید مجانی باشد. تئاتر پیشانی فرهنگ یک کشور است و هر همه کشورهای دیگر همه بار هزینه‌ها روی دوش تماشاگران نیست و دولت به گروه‌ها کمک زیادی می‌کند.

کیانیان: من از قدیم اهل گفتگو بودم. تندترین انتقادات را به مسئولان داشتم اما زمانی که با آنها وارد گفتگو شدم همه چیز حل شده است. چون فکر نمی‌کنم مسئولان دشمن ما هستند و هیچکس نمی‌تواند ادعا کند اگر جای هر مسئولی باشد بهتر برخورد می‌کنده‌اند آرای با اشاره به صحبتی که با مدیر برنامه‌های زلز برای خرید رایب نمایشنامه داشتم، عنوان کرد که قرار است این نمایش را در کل ایران و هلند و آلمان به صحنه ببرند و دیگر اینکه نمایش برای اجرا هیچ ممیزی نداشته است.

وی درباره ممیزی‌های و ممنوع‌الکاری‌هایی که این روزها شدت گرفته است، تأکید کرد: باید بنشینیم و گفتگو کنیم و اگر پذیرفتیم که در این شرایط کار کنیم مجبوریم که با همه به تعامل برسیم. این ممنوع‌الکاری‌ها برای همه ما ناراحت‌کننده است. من سال‌ها با نغمه نمینی اما باید سه‌ای از هر یک نفری که کار نمی‌کند ۱۰ نفر کار کنند چون تئاتر باید زنده بماند ما قوانین را رعایت می‌کنیم و می‌پذیریم که طبق این قوانین کار کنیم اما برخورد‌های سلیقه‌ای است که ما را ناراحت می‌کند.

کیانیان نیز در این باره توضیح داد: من از قدیم اهل گفتگو بودم. تندترین انتقادات را به مسئولان داشتم اما زمانی که با آنها وارد گفتگو شدم همه چیز حل شده است. چون فکر نمی‌کنم مسئولان دشمن ما هستند و هیچکس نمی‌تواند ادعا کند اگر جای هر مسئولی باشد بهتر برخورد می‌کنم چون آنها هم در کارشان با دستورانی از جانب بالادستی‌هایشان روبرو هستند. گفتگو چیزی است که در کشور ما مغفول مانده است. ما نباید روبروی هم قرار بگیریم و جامعه را دو قطبی کنیم.

این بازیگر باسابقه درباره نسل جدید کارگردانان تئاتر گفت: من از قبل از انقلاب تئاتر کار کردم و با کارگردانان بزرگ هم کار کردم و الان فکر می‌کنم برقدرت‌ترین کارگردانان ما در همین رده سنی ۴۰ تا ۵۰ هستند و

فضای تئاتر بازتر از قبل است

در مدت یک سال گذشته آنچه از عملکرد دولت در تئاتر در معرض دید منتقدان منصف قرار گرفته، به رغم نقدهای موجود حکایت از بهبود اوضاع به نسبت دولت قبل دارد. حال در چنین شرایطی محمد رضایی راد طی یک بیانیه با پیشگویی از سانسور و ممیزی احتمالی در فرایند اجرا، نظارت و بازبینی های قانونی یا حتی ادعای ممنوع‌الکاری نویسنده‌اش دست‌به‌قلم شده تا جایی که تک‌تک بندهای نگارش شده‌اش، حتی یک فعل قطعی ندارد و همه را به شاید و اما و اگر و شنیده‌ها حواله داده است، ولی خبر روز گذشته ساترا مبنی بر صدور مجوز برای سریال قهوه ترک به کارگردانی منیره قیدی، کارگردان فیلم دسته دختران به نویسندگی محمد رضایی راد و نغمه ثمینی تمام نقشه‌های این کارگردان تئاتری را نقش بر آب کرد و خیلی زودتر از آنچه فکرش را می‌کرد، دم خروس از لباسش بیرون زد | صفحه ۱۶

فضای تئاتر بازتر از قبل است

چندی پیش خبر انصراف محمد رضایی راد از اجرا در تئاتر شهر و انتشار بیانیه از سوی او بهانه شد تا برخی از همفکران این کارگردان با اسم رمز سانسور و ممیزی به سیاست‌های فرهنگی و هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی حمله کنند. این در حالی است که طی یک سال گذشته عملکرد دولت در حوزه تئاتر و هنرهای نمایشی نه تنها بسته نبوده که حتی از دولت سابق نیز به مراتب بازتر و گسترده‌تر بوده است. نمونه‌اش اجراهای متعددی چون مخاطب به کارگردانی جابر رضایی (بسا وجود انتقادهای جدی که به این نمایش وارد شد) در تماشاخانه ایرانشهر، شکوفه‌های گیلاس به کارگردانی محمد مساوات در سالن اصلی تئاتر شهر، آن سوی آینه به کارگردانی علی سرابی در تالار وحدت بود که از سوی مرکز هنرهای نمایشی مجوز دریافت کردند و تا پایان دوره اجرایی خود روی صحنه رفتند. نمایش پدر به کارگردانی آروند دشت‌آرایی هم در سالن اصلی تئاتر شهر پس از دریافت مجوز از چند روز دیگر آماده اجرا می‌شود و همگی اینها نشان از باز بودن فضای هنری در دولت دارد، اما در هر صورت سلیقه‌های خاص در تئاتر که با جریان‌های سیاسی پیوند دارند، مأمور حمله به دولت هستند و به هر بهانه‌ای سعی می‌کنند فعالیت‌های فرهنگی و هنری را هدف قرار دهند. این نکته نیز حائز اهمیت است که دیکته نانوشته غلط ندارد، اما در مدت یک‌سال گذشته آنچه از عملکرد دولت در تئاتر در معرض دید منتقدان منصف قرار گرفته، به‌رغم نقدهای موجود حکایت از بهبود اوضاع به نسبت دولت قبل دارد. حال در چنین شرایطی محمد رضایی راد طی یک بیانیه با پیشگویی از سانسور و ممیزی احتمالی در فرایند اجرا، نظارت و بازبینی‌های قانونی یا حتی ادعای ممنوع‌الکاری نویسنده‌اش دست‌به‌قلم شده تا جایی که تک‌تک بندهای نگارش شده‌اش، حتی یک فعل قطعی ندارد و همه را به شاید و اما و اگر و شنیده‌ها حواله داده است. ولی خبر روز گذشته ساترا مبنی بر صدور مجوز برای سریال قهوه ترک به کارگردانی منیره قیودی، کارگردان فیلم دسته دختران به نویسندگی محمد رضایی راد و نغمه ثمینی تمام نقشه‌های این کارگردان تئاتری را نقش بر آب کرد و خیلی زودتر از آنچه فکرش را می‌کرد، دم خروس از لباسش بیرون زد. اینکه چرا آقای رضایی راد مدعی ممنوع‌الکاری نغمه ثمینی می‌شود در حالی که همراه و در کنارش مشغول نگارش یک سریال هستند یا اینکه چگونه ایشان در بیانیه‌شان مدعی شده‌اند به دلیل تار و تاریخ بودن فضای فرهنگ و هنر در دولت کار نمی‌کنند، اما در بخش دیگری از این فضای هنری حاضرند فعالیت کنند، همه اینها را اضافه کنید به تناقضات ایشان که با قوانین موجود و ذکر شده سال‌هاست دارند کار می‌کنند و اساساً چرا آن زمان این مباحث را مطرح نمی‌کردند؟

اما با روشن شدن موضوع و نقش بر آب شدن نقشه وی دیگر کاملاً محرز و مشخص شد که ایشان از ابتدا هم نمی‌خواستند نمایشی روی صحنه ببرند و این امر بسیار منطقی است که در مقابل انتفاع مالی که در شبکه نمایش خانگی برایش قرار است رقم بخورد، چرا نمایشی را روی صحنه ببرد که در نهایت با عدم استقبال مخاطب دچار ضرر مالی شود، پس چه بهتر که بهانه بتراشد و آرام و بدون سروصدا به همکاری با شبکه نمایش خانگی بپردازد. نقشه نخ‌نما شده‌ای که سالیان سال است امثال رضایی راد و نغمه ثمینی در حال انجام آن هستند.



تاریخ انتشار: سه شنبه ۱ شهریور ماه ۱۴۰۱ * ۰۸:۲۸

یک کارگردان مطرح کرد از ماجرای مالیاتی تا بلا تکلیفی یک اجرا

یک کارگردان تئاتر که در دو سال گذشته اثری روی صحنه نبرده است، می‌گوید که با وجود برکوردن اظهارنامه مالیاتی برای بهرمنند شدن از قانون معافیت مالیاتی هنرمندان نه تنها برایش مالیات نوشته‌اند، بلکه جریمه‌های هم در نظر گرفته‌اند.

سید جواد روشنی از وضعیت بلا تکلیفی نمایش تازه‌اش می‌گوید و در عین حال گله دارد که چرا با وجود طی کردن همه مراحل قانونی و در وهله‌ی اول که در دو سال گذشته نمایشی اجرا نکرده، برایش مالیات نوشته شده است.

او ابتدا با تشریح روندی که برای اجرای نمایش جدیدش طی کرده، یادآوری می‌کند: آخرین اجرایم در مجموعه تئاتر شش‌سپهر به سال ۹۴ برمی‌گردد که نمایش «کوبین» را روی صحنه بردم. این نمایش جزو آثاری بود که در بخش جشنواره‌های جشنواره تئاتر روی صحنه رفته و در سه بخش هم نامزد دریافت جایزه شده بود اما اجرای عمومی آن دستخوش تغییراتی شد و سرانجام با تأخیر در اسفند سال ۹۴ در تئاتر شهر روی صحنه رفت.

این کارگردان کسه بعد از این نمایش چند نمایش دیگر را در دیگر سالن‌های نمایشی اجرا کرده است. انامه می‌دهد: سال ۹۸ در خواست اجرای نمایش دیگری را به تئاتر شش‌سپهر از این کردم. اما آقای سعید اسدی مدیر وقت این مجموعه با این استدلال که چون فروردین همان سال در تماشاخانه ابرانشهر که مانند تئاتر شهر مجموعه‌ای دولتی است، نمایشی دیگر را اجرا کرده بودم، اجرایم را در تئاتر شش‌سپهر به سال ۹۹ موکول کردند. همه کارها همان را انجام و نمایشنامه را هم ارائه دادیم که از اواخر سال ۹۸ با ورود کرونا همه برنامه‌ها عوض شدند. به هم ریختگی‌های بعد از کرونا از یک سو و تغییر مدیریت تئاتر شهر از سوی دیگر، برنامه‌های ما را به کلی تغییر داد.

او ادامه می‌دهد: سال ۱۴۰۰ با بازگشایی سالن‌های تئاتر با مدیریت وقت تئاتر شهر، آقای گلدارزاده وارد مذاکره شد و همه سوابق برای اجرای این نمایش موجود بود. اما به دلیل کرونا و برخطر بودن کارهای پر بازگرمی و نیز به دلیل شرایط دشوار اقتصادی، بهتر دیدیم نمایشنامه‌ای کم پرسوناژتر را جایگزین کنیم. آقای گلدارزاده برای اجرا در تالار سایه به سال ۱۴۰۱ قوی دادند ولی چون سایه، سالن مناسبی برای اجرای ما نبود، قرار شد اجرا به سال ۱۴۰۲ موکول شود. برای اجرای نمایش «شک» نوشته جان پاتریک یسلسلی و با ترجمه محمد منعم تفاهم‌نامه‌ای نوشتیم و در حال مذاکره بودیم که آقای طاهری به عنوان مدیر جدید تئاتر شش‌سپهر روی آمدند و تفاهم‌نامه‌های قبلی را ملغی کردند.



او اضافه می‌کند: از تئاتر شهر تماس گرفتند تا از طریق فراخوانی که تئاتر شهر بعد از ورود آقای طاهری منتشر کرد، برای اجرایمان اقدام کنیم که نمایشنامه را ارائه کرده و در تماسی با آقای طاهری همه چیز را توضیح دادیم که گفتند اجازه دهید شش‌سپهر را ببینند. شش‌سپهری که معلوم نیست چرا هنوز به جامعه تئاتری معرفی نشده‌اند و وقتی اعضای آن را جویا شدیم، گفتند نظر نهایی را خود مدیر می‌دهد.

روشن با ایراز تاسف از اینکه همچنان بلا تکلیف مانده است، می‌افزاید: در تماسی که خصما با تئاتر شهر گرفته، متوجه شدم که ظاهر نمایشنامه ما جزو متون پذیرفته شده اسباب نبوده است. اما گفتم من این است که تغییر مدیریت‌ها که نباید سبب لغو همه برنامه‌ها و فزای قبیلی شود، از سوی دیگر با افروختن جشنواره چپل و بکم که تولیدمحور است، لابد باید جایی هم برای تولیدات جشنواره در نظر گرفت که البته برای همین هم ضمانتی وجود ندارد. همچنان که نمایش «کوبین» خود من برای گرفتن اجرای عمومی دچار مشکل شد.

او ایراز تاسف می‌کند: همه اینها برنامه اسمال مارا مخدوش کرد بدون اینکه هیچ چشم‌انداز روشنی برای سال آینده داشته باشیم. این کارگردان در پاسخ به سخنان مدیر تئاتر شش‌سپهر که اعلام کرده تفاهم‌نامه‌های قبلی بدون مجوز من از سوی شورای نظارت دچار اشکال قانونی است، می‌گوید: نمایشنامه پیشینه‌ای ما قبلا اجرا شده، از طرف دیگر جامعه تئاتری خوب می‌داند چه آثاری اجازه اجرائی می‌گیرد. ضمن اینکه کمتر پیش می‌آید منی از اساس رد شود. با همه نقدهای که می‌توان به آقای گلدارزاده داشت، یکی از حسن‌های مدیریت ایشان بود که نتیجه مذاکرات شفاهی را در قالب تفاهم‌نامه‌های مکتوب ارائه کرد.

شاید می‌تواند در آن دوره این بند را به تفاهم‌نامه اضافه کرد که اجرای این نمایش در تاریخ مشخص شده منوط به تأیید شورای نظارت است. اما به نظر می‌رسد، آنچه هم اکنون اتفاق می‌افتد، بیشتر بهانه است چون این روال در دیگر سالن‌ها هم وجود دارد و اصولاً برای اجرای آن شورای نظارت در خواست مجوز می‌کند. روال به این شکل است که بعد از مذاکرات شفاهی، متن پیشنهاد می‌شود و قول و قرار می‌گذرانند. می‌شود و بعد متن از سوی سالن به شورای نظارت پیشنهاد می‌شود. شورا همیشه آنقدر متن برای بررسی دارد که نمی‌تواند از یک سال قبل مجوز اجرای کاری را بدهد و معمولاً دو ماه پیش از اجرائی را بررسی می‌کند.

روشن در ادامه با انتقاد از بی‌سرمایه‌ی قانون معافیت مالیاتی هنرمندان اضافه می‌کند: سال‌هاست می‌دانیم برای بهره‌مندی از قانون معافیت مالیاتی هنرمندان باید اظهارنامه مالیاتی بدهیم. در این دو سال با اینکه کار تئاتر در همه فرادای سنسار، اظهارنامه مالیاتی را ارائه کردیم چون آثار مالیاتی بر اساس فرادادهای گذشته، مالیات در نظر می‌گیرد و از طرف دیگر اظهارنامه سفید هم برابر است با عدم ارائه اظهارنامه. به هر حال ما کارگردانیم و اظهارنامه هم داریم و دوستان هم محبت کردند و بر ایمان مالیات بردند و تازه بابت تأخیر جریمه هم کرده‌اند.

سجاد دانستانی، کارگردان نمایش «احتمال تحقق آرزوی محال»:

صاحبان ایدئولوژی و اندیشه در تئاتر از دل تئاتر دانشگاهی بیرون آمده‌اند



سجاد دانستانی کارگردان نمایش
Ambassador@chahin@gmail.com

پس از گذشت بیش از یکسال از آخرین نمایش سجاد دانستانی در تئاتر محال، دور اول آرزوهای این نمایش نامش که یک اثر تجربی است از ۱۵ شهریورماه جاری در سالن شماره ۱ خانه نمایش داد آغاز خواهد شد. با سجاد دانستانی نویسنده و کارگردان این اثر گفتگو شد.

«احتمال تحقق آرزوی محال»

پرهامی از امراهی گذشته هم از خوش تره

سجاد دانستانی که با سیل نمایش هوس از برخورد جنس سخت به سرور از نمایشخانه لفظی به روی صحنه برود و با استقبال مخاطبان نیز مواجه شد. بهر حال آرزوی محال در تئاتر محال، دور اول آرزوهای این نمایش نامش که یک اثر تجربی است از ۱۵ شهریورماه جاری در سالن شماره ۱ خانه نمایش داد آغاز خواهد شد. با سجاد دانستانی نویسنده و کارگردان این اثر گفتگو شد.

این معرده‌ها هر بلاست و اتفاقاً افرادی خوبی دارند و خیلی‌ها هم به این مسیر نرسیده‌اند زیرا از ناآشنایی ارائه می‌دهند.

صاحبان ذهن خلایق ایدئولوژی و اندیشه

از دل تئاتر دانشگاهی بیرون آمده

با آشنایی با کارنامه‌های قبلی به این نکته است که درباره تئاتر دانشگاهی که همین حالا کسی برای آن وجود دارد و به خوبی مشخص است که چه افرادی برای آن آمده‌اند و چه چیزها در تئاتر آن‌ها وجود دارد. بهر حال تئاتر ایران است. گفت: «حضور تئاتر دانشگاهی همواره که هوس است، تئاتر بهر جنبه‌ها تئاتر ایران است. همه کارگردان‌های تئاتری که صاحبانکند. صاحب‌تئاتر دانشگاهی که همیشه گذشته است. اما تئاتر دانشگاهی بدون آگاهی از آن نیست. این آگاهی و آشنایی با تئاتر دانشگاهی و بهر حال تئاتر محال است. این آگاهی و آشنایی با تئاتر دانشگاهی و بهر حال تئاتر محال است. این آگاهی و آشنایی با تئاتر دانشگاهی و بهر حال تئاتر محال است.

تئاتر محال در دانشگاه

تئاتر محال در دانشگاه

سجاد دانستانی کارگردان نمایش «احتمال تحقق آرزوی محال» در تئاتر محال، دور اول آرزوهای این نمایش نامش که یک اثر تجربی است از ۱۵ شهریورماه جاری در سالن شماره ۱ خانه نمایش داد آغاز خواهد شد. با سجاد دانستانی نویسنده و کارگردان این اثر گفتگو شد.

نقشه تئاتری تغییر کرده است

این کارگردان تئاتر بارها تجربه کرده است که در دوره کرونا با نخبه‌های مواجه شده و هم‌اکنون موفق شده است. گفت: «تئاتر در این شرایط بسیار دشوار است. ما در این شرایط هستیم و در این شرایط هستیم. ما در این شرایط هستیم و در این شرایط هستیم. ما در این شرایط هستیم و در این شرایط هستیم.

چشم‌انداز تئاتر در آینده

سجاد دانستانی کارگردان نمایش «احتمال تحقق آرزوی محال» در تئاتر محال، دور اول آرزوهای این نمایش نامش که یک اثر تجربی است از ۱۵ شهریورماه جاری در سالن شماره ۱ خانه نمایش داد آغاز خواهد شد. با سجاد دانستانی نویسنده و کارگردان این اثر گفتگو شد.



در نشست خبری نمایش «پدر» چه گذشت؟

راه حل برون رفت از اختلافات گفت و گو است نه توقیف آثار

ایران تا سافاز شکل گیری کمپین های مخالفت با تئاتر

دشت آرای با ابراز تأسف از شکل گیری کمپین هایی در فضای مجازی در مخالفت با تئاتر، گفت: تئاتر آن چنان ضعیف شده که هر کس می تواند کمپینی در مخالفت با آن راه بیندازد. ویدئویی که توسط خانم مترجم درباره نمایش ماضیط شده، به بردن این نمایش و افراد حاضر در آن حمله کرده است بنابراین جای شکایت را برای خودم گذاشتم تا اگر ایشان تصمیمشان را پس بگیرند، وارد عمل شوم. سرمایه های محدودی در تئاتر داریم که قرار نیست هر کسی در فضای مجازی آن ها را نابود کند. کار به جایی رسیده که عده ای مرا تهدید می کنند و این در دنیا کاست.

ویژگی بدیهه پردازی کارگردان

کیانیان در بخش دیگری از این نشست، پاسخ به این پرسشی که چگونه نقشی را بازی می کند پیش از آن آنتونی هایکنز با بازی در آن جایزه اسکار را گرفته، توضیح داد: اهل کل کل هستیم، ضمن اینکه هایکنز یکی از مهم ترین بازیگرانی است که دوستش می دارم. یکی از دلایل بسازی من در این نمایش ویژگی بدیهه پردازی کارگردان آن است. بعد از سال ها کار کردن با دکتر رفیعی نمی توانم در زندان کارگردان هایی بازی کنم و کار کنم که همه چیز نشان از قبل شخص است. از طرف دیگر هم زمان با کار در تئاتر در هیچ پروژه دیگری کار نمی کنم چون آن را کم فروشی می دانم.

حمایت از تئاتر از دوره احمدی نژاد به فراموشی سپرده شد

او در ادامه با ابراز تأسف از کم توجهی دولت به تئاتر و سینما افزود: در جهان کشورها را با سینما و تئاتر شان می شناسند. اما متأسفانه در کشور ما کمتر به این هنرها بها داده می شود. از دوره احمدی نژاد هم حمایت از تئاتر به فراموشی سپرده شد. در حالی که در این سال ها تماشاگران ماضیط شده اند و این سرمایه بزرگی است اما متأسفانه تماشاگران تصور می کنند کالای فرهنگی مجانی است. به همین دلیل برای قیمت گذاری بلیت دچار مشکل شدیم و در نهایت به ۱۵ هزار تومان رسیدیم. این در حالی است که هزینه همه چیز از جمله تولید تئاتر بسیار بالا است.

است نمایش «پدر» از ششم شهریور در سالن اصلی مجموعه تئاتر شهر روی صحنه برود. گروه اجرایی نمایش «پدر» در آستانه اجرای عمومی این نمایش با انتقاد از ممنوع فعالیت شدن بعضی از هنرمندان حمایت خود را از آن ها اعلام و توضیحاتی درباره حاشیه هایی که برای ترجمه این نمایشنامه ایجاد شده بود، ارائه کردند. جزئیات بیشتر را در ادامه می خوانید.

اشاره: نشست خبری نمایش «پدر» نوشته فلور بان زلزله کارگردانی آرون دشت آرای صبح دیروز در تالار مشاهیر تئاتر شهر برگزار شد. رضا کیانیان، لیلی رشیدی، ماریون ون هولک، سعید چنگیز بان و سوکل خلیق به عنوان بازیگران نمایش «پدر» در کنار آرون دشت آرای (طراح و کارگردان آن) در نشستی خبری به ارائه جزئیاتی درباره این اثر نمایشی پرداختند. قرار

در ابتدای نشست آرون دشت آرای گفت: پیش از شیوع کرونا ویس از نمایش فیلم «پدر» علاقمند به اجرای این اثر با بازی رضا کیانیان شدم. پیشهادم را با آقای کیانیان مطرح کردم و او نیز قبول کرد این نمایشنامه را که بهترین اثر زلزله است و در سراسر دنیا اجرا و موفق به در یافت اسکار شده، اجرا کنیم.

با توقیف آثار، کاری از پیش نمی رود

وی بایسان اینکه نمایش «پدر» مشکل میزبانی نداشته است، گفت: می دانم این روزها بعضی گروه ها دچار مشکل میزبانی شده اند. در حالی که هنرمندان خطوط قرمز را می دانند و با توقیف آثار، کاری از پیش نمی رود. لازم است با گفت و گو دنبال راه حل برویم. نه اینکه جلوی اجرای نمایش ها یا جلوی فعالیت بعضی هنرمندان را بگیریم. او با تأکید بر اینکه ناچار به گفت و گو هستیم، ادامه داد: وقتی می پذیریم در کشوری نمایش اجرا کنیم باید قوانین مربوط به آن را هم بپذیریم. اگر دالما دنبال دشمن سازی باشیم، پس نباید کاری انجام بدهیم.

بر خوردهای سلیقه ای آزاد دهنده است

دشت آرای بایسان اینکه سال ها با نغمه نمایی همکاری داشته است، با ابراز تأسف از اینکه گفته شده این نویسنده اجازه فعالیت ندارد، خاطر نشان کرد: این ممنوع الکاری ها ما را اذیت می کند، اما به ازای هر یک نفری که نمی تواند کار بکند، ۱۰ نفر دیگر باید کار کنند. ما قوانین را می بپذیریم، اما چیزی که از آزاد دهنده است بر خوردهای سلیقه ای است. ضمن اینکه هر کشوری خط قرمزهای خود را دارد و بزرگ ترین سانسور نمایش های من در لندن از سوی آتش نشانی اتفاق افتاد.

گفت و گو راهکار حل مسائل

رضا کیانیان نیز در تکمیل سخنان او گفت: من اهل گفت و گو هستم. انتقادهای تند از مسئولان کردام که بعد مرا خواسته اند، توضیح داده ام و مسئله حل شده است. با اینکه تندترین انتقاد هم براداشتم، هرگز فکر نمی کنم مسئولان دشمن ما هستند. ضمن اینکه هیچ یک از منتقدان نمی توانند مطمئن باشند اگر جای مسئولان بودند بهتر عمل می کردند.



به جای او روی صحنه بروند تا متوجه شوند حذف آدم ها کار اشتباهی است.

ممنوع فعالیت های هنر ضربه می زند

لیلی رشیدی، دیگر بازیگر این نمایش هم با انتقاد از ممنوع فعالیت شدن بعضی هنرمندان افزود: هیچ یک از ما از این سانسورها و ممنوع الکاری ها خوشحال نیستیم. سال ها است نظارت و سانسور به یک روند عادی تبدیل شده و مدام دایره محدودیت خود را بزرگ تر کرده ایم. اما این رویه درست نیست. این ممنوع فعالیت ها به هنرمند ضربه می زند چون یک هنرمند زمان مشخصی برای خلاقیت هنری دارد و این ممانعت ها، فرصت کار خلاقه را از او می گیرد و به جامعه ای که خواستار بهره مندی از هنر اوست هم ضربه می زند. ما می خواهیم مسئولان کنارمان باشند نه در یک جبهه جدا

بامد دو قطبی شدن

او با ابراز تأسف از اینکه گفت و گو در کشور ما مغفول مانده، هشدار داد: اگر فضای دو قطبی شود و همه دیگر راه عنوان آدم های سیاه و سفید بینیم، تنها به دشمن سازی کمک کرده ایم. همه ما طبعی از خاکستری هستیم. مسئولان هم می خواهند کشور را طبق دیدگاه های خود درست کنند؛ بنابراین فکر نمی کنم در برابر مسئولان ایستادام و آن ها هم چنین فکری درباره من ندارند و این مشکل طیف بزرگی از آبوز سیون داخل و خارج از کشور ما من است.

بر قدرت ترین نسل کارگردان های تئاتر مشغول به کار هستند

کیانیان تأکید کرد: از زمانی که تصمیم گرفتم ایوان بعام مسئولیتی برای خود قائل شدم که تئاتر و سینما را به مسئولان شناسانم و خوشحالم امروز بر قدرت ترین نسل کارگردان های تئاتر که در رده

تاریخ انتشار: سه شنبه ۱ شهریور ماه ۱۴۰۱ * ۰۸:۲۸

همزمان با نشست تاتار «پدر» مطرح شد رضا کیانیان: نغمه ثمنینی دشمن نیست!



را انتخاب کرده است. توضیحاتی درباره حاشیه‌هایی که در فضای مجازی از سوی مترجم اول ایجاد بود، ارائه کردند. نشست آرای با ابراز تأسف از شکل‌گیری کتبی‌های در فضای مجازی در مخالفت با تاتار، گفت: تاتار آجیان صمیمیت شده. هر کس می‌تواند کسی در مخالفت با آن راه بنماید. وی‌تویی که توسط خانم مترجم ارائه شد، به پندت این نمایشی و افراد حاضر در آن حمله کرده است. تاتار این جای شکایت را برای خود گذاشته است. ایشان تصمیماتی را پس بگیرند، وارد عمل شوند. ما توضیح روندی که برای انتخاب مترجم نمایشنامه پندرا طی کرده است، افزود: خانم مترجم مدعی است که ما به دلیل پرداخت نکردن رهنی تاتار که مطالبه ایشان بوده است، از ترجمه او گذشته‌ایم. در حالیکه این رقم در میان هزینه‌های تولید نمایش بسیار ناچیز است. ایشان مدعی است که شهرپور پارسا نامشروع تیرین نمایش بوده‌ایم، در حالیکه آن مطلع بیگانه کرد و بود. اولین فرارود ما با ایشان دوازده سال گذشته است. پس از آن مترجم نمایشنامه‌های لژارو آجازه اجرا ندارند. آقای کیانیان طی گفت‌وگو با مسئولان هنری این موضوع را حل کردند. بنابراین همین گذشته میجر اجرای نمایشنامه را گرم‌تر ضمن اینکه این میجر انحصاری گروه ما نیست و همه گروه‌ها می‌توانند نمایشنامه پندرا را اجرا کنند.

این کارگردان ادامه داد: اجرای فروردین ماه ما لغو شد چون فرصت کافی برای تیرین نمایشنامه درحالیکه فرارود ما با خانم مترجم منوط به اجرای نمایش بود. اردیبهشت ماه یکی از اعضای گروه که با ایشان در ارتباط است، درخواست میجر دیگری از ایشان داشت که خواستار دستمزده بیشتری شدند و ما پاسخ دادیم نمی‌توانیم این شرایط را بپذیریم و هنری داریم و این باعث‌ها، فرصت کار خلاصه می‌گردد و به جملگی که خواستار بهره‌مندی از هنر اوست هم ضربه می‌زند. ما دلمان می‌خواهد مسئولان کارنامه باشند اما گاهی حتی می‌کنند آنها و ما در دو جهایم. ما این می‌خواهیم، کارنامه‌ها هستند. ضمن اینکه نمایش که قبلا در چند نمایشنامه از نغمه ثمنینی بازی کرده است، نیز گفت: هر کلمه نغمه ثمنینی باعث رشد مخاطبان می‌شود و توفیق کلمات او این رشد را دچار مشکل می‌کند. حق ما نیست آثار او از ما گرفته شود.

در ادامه این نشست، گروه اجرایی که ابتدا قصد داشته نمایشنامه پندرا را بار ترجمه نشان فرایح در اجرا کند و بعدا ترجمه دیگری

گروه اجرایی نمایش پندرا در آستانه اجرای عمومی این نمایش با انتقاد از مترجم‌های شدن بعضی از مترجمان حمایت خود را از آنها اعلام و توضیحات مسوول درباره حاشیه‌هایی که برای ترجمه این نمایشنامه ایجاد شده بود، ارائه کردند.

رضا کیانیان، لیلی رشیدی، ماریون ون هرون، سمیه چیگنزیان، سونگ حلیق به عنوان بازیگران نمایشنامه پندرا در کنار آرون دشت آرای افراس و کارگردان آن در نشست خبری که امروز ۳۱ مرداد ماه برگزار شده، به ارائه جزئیاتی درباره این اثر نمایشی پرداختند. در بخشی از این نشست، دشت آرای با بیان اینکه نمایش پندرا مشکل‌ساز نبوده است، افزود: مردم این روزها بعضی گروه‌ها دچار مشکل می‌شوند. در حالیکه مترجمان عظیم فرما را می‌دانند و با توفیق آرای کاری از پیش می‌روند. لازم است با گفت‌وگو دنبال راه حل برویم. نه اینکه جلوی اجرای نمایش‌ها یا جلوی فعالیت بعضی مترجمان را بگیریم.

او با تأکید بر اینکه تاتار به گفت‌وگو همیشه ادامه داد. وقتی می‌پذیریم در کنونی نمایش اجرا کنیم باید قوانین مربوط به آن را هم بپذیریم. اگر دادا دنبال دشمن‌سازی باشد، پس اصلا نباید کاری انجام بدهیم. او با بیان اینکه سالها با نغمه ثمنینی همکاری داشته است، با ابراز تأسف از اینکه گفته شده این نویسنده اعلام فعالیت ندارد، خاطرنشان کرد: این موضوع‌الکاری‌ها را ما از ذمیت می‌کنیم که ما از این حرکتی که نمی‌تواند کار کند، ۱۰ نفر دیگر باید کار کنند. ما قانون را می‌پذیریم اما چیزی که آزاد باشد است برخورداری سلب‌های است. ضمن اینکه هر کنسولی خط فرم‌های خود را دارد و بزرگترین مسأله نمایش‌های ما در لندن از سوی آکس نشانی اتفاق افتاد.

در تکمیل سخنان او رضا کیانیان نیز گفت: من اهل گفت‌وگو هستم. تندرین اتفاقها در از مسئولان گروه که بعد ما خواهند، توفیق دادام و منسجم شده. ما اینک نمی‌کنیم مسئولان دشمن ما هستند. ضمن اینکه هیچ یک از مترجمان نمی‌توانند مطمئن باشند اگر جای مسئولان بودند بهتر عمل می‌کردند.

او با ابراز تأسف از اینکه گفت‌وگو در کشور ما معقول مانده، هشدار داد: اگر کشورمان دو قطبی شود و همه‌گیر که به عنوان آدم‌های سیاه و سفید بیبند، تنها به دشمنی سازی کمک کرده‌ایم. در حالیکه همه ما طبق از خاکستری هستیم. مسئولان هم می‌خواهند

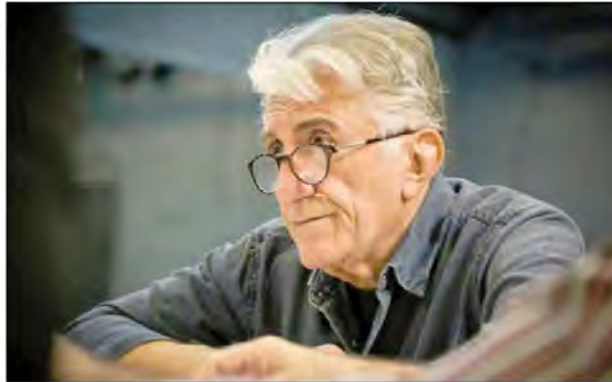
مشکل شدیم و در نهایت به ۱۵۰ هزار تومان رسیدیم. این دو حالت که هزینه همه چیز از جمله تولید تا تاتار بسیار بالا است. آرون دشت آرای هم با تأیید این سخن گفت: در این سالها تلاش بسیاری کرده‌ام تا حمایت‌هایی را از سرمایه‌گذاران، تولید کنندگان یا کارخانجات برای تاتار جذب کنم اما بخش خصوصی هیچ رغبتی نشان نمی‌دهد که این بی رغبتی با شرایط دشوار اقتصادی حلقی بیشتر هم شده است.

سمیه چیگنزیان، دیگر بازیگر نمایش گفت: کنونی را در این اثر نمایشی بازی می‌کنم، گفت: همیشه در یک اثر نمایشی دوست دارم حضور همراهی باشم.

ماریون ون هرون که با ابراز خوشحالی از اینکه برای اولین بار در تاتار اصلی مجموعه تاتار شهر روی صحنه می‌رود، گفت: این نقش برایم هیجان‌انگیز است و بعد از تاتار دوران کودکی دوست داشتم با این نقش کاملاً تیرین شود. ضمن اینکه تاتار اصلی یکی از بهترین سال‌های تاتار جهان است.

سونگ حلیق دیگر بازیگر نمایش هم با اشاره به موضوع این نمایش که درباره یک فراموشی است، گفت: هر یک از ما در تاتار به فراموشی می‌رویم و هیچ‌کس نمی‌داند که ما در طول کار دچار احساسات تیرینیم. به گزارش آنا، نمایش پندرا نوشته قربان لژارو آجیان شهرپور و در تاتار اصلی مجموعه تاتار شهر روی صحنه می‌رود.

همزمان با نشست تناثر «پدر» مطرح شد رضا کیانیان: نغمه ثمینی دشمن نیست!



گروه اجرایی نمایش «پدر» در آستانه اجرای عمومی این نمایش با انتقاد از ممنوع‌الفعالیت شدن بعضی از هنرمندان حمایت خود را از آنها اعلام و توضیحات مسسوطی درباره حاشیه‌هایی که برای ترجمه این نمایشنامه ایجاد شده بود، ارائه کردند.

به گزارش ایسنا، رضا کیانیان، لیلی رشیدی، مارین ون هولک، سعید چنگیزیان، سوگل خلیق به عنوان بازیگران نمایش «پدر» در کنار آرون دشت آری (طراح و کارگردان آن) در نشست خبری که ۳۱ مرداد ماه برگزار شد، به ارائه جزئیاتی درباره این اثر نمایشی پرداختند.

در بخشی از این نشست، دشت آری با بیان اینکه نمایش «پدر» مشکل ممیزی نداشته است، افزود: می‌دانم این روزها بعضی گروه‌ها دچار مشکل ممیزی شده‌اند. در حالیکه هنرمندان خطوط قرمز را می‌دانند و با توقیف آثار، کاری از پیش نمی‌روند. لازم است با گفتگو دنبال راه حل بروییم، نه اینکه جلوی اجرای نمایش‌ها یا جلوی فعالیت بعضی هنرمندان را بگیریم.

او با تأکید بر اینکه اجبار به گفتگو هستیم، ادامه داد: وقتی می‌پذیریم در کنسور نمایش اجرا کنیم باید قوانین مربوط به آن را هم بپذیریم. اگر دائما دنبال دشمن‌سازی باشیم، پس اصلا نباید کاری انجام بدهیم.

او با بیان اینکه سال‌ها با نغمه ثمینی همکاری داشته است، با ابراز تأسف از اینکه گفته شده این نویسنده اجازه فعالیت ندارد، خاطر نشان کرد: این ممنوع‌الکاری‌ها ما را اذیت می‌کند اما به ازای هر یک نفری که نمی‌تواند کار کند، ۱۰ نفر دیگر باید کار کنند. ما قوانین را می‌پذیریم اما چیزی که از آن دهنده است برخورد‌های سلیش‌های است ضمن اینکه هر کشوری خط قرمزهای خود را دارد و بزرگترین سانسور نمایش‌های من در لندن از سوی آتش نشانی اتفاق افتاد.

در تکمیل سخنان او رضا کیانیان نیز گفت: من اهل گفتگو هستم. تندترین انتقادها را از مسئولان کردم که بعد مرا خواست‌اند، توضیح دادام و مسئله حل شد. با اینکه تندترین انتقادها را داشت‌ام، هرگز فکر نمی‌کنم مسئولان دشمن ما هستند. ضمن اینکه هیچ یک از منتقدان نمی‌توانند مطمئن باشند اگر جای مسئولان بودند بهتر عمل می‌کنند.

او با ابراز تأسف از اینکه گفتگو در کشور ما ممنوع مانده، هشدار داد: اگر کشورمان دو قطبی شود و همدیگر را به عنوان آدم‌های سیاه و سفید ببینیم، تنها به دشمن سازی کمک کرده‌ایم. در حالیکه همه ما طیفی از خاکستری هستیم. مسئولان هم می‌خواهند کشور را طبق دیدگاه‌های خود درست کنند، بنابراین هرگز فکس نمی‌کنم در برابر مسئولان ایستادام و آنها هم چنین فکری درباره من ندارند و این مشکل طیف بزرگی از ایزوسیون داخل و خارج از کشور یا من است.

کیانیان تأکید کرد: از زمانی که تصمیم گرفتیم ایران بعام، مسئولیتی برای خود قائل شدیم که تناثر و سنما را به مسئولان شناسانم و خوشحالم امروز بر قدرتمندترین نسل کارگردان‌های تناثر که در رده سنی ۴۰ تا ۵۰ هستند، مشغول به کار هستند. نسل بر قدرتمند مانند محمد مسالوات که با وجود آنان با خیال راحت از این دنیا می‌روم.

این بازیگر با اشاره به گفتگوی تلفنی خود با محمد رضایی راد، کارگردان نمایش «به گزارش زنان تروا» که هفته گذشته از اجرای نمایش در تالار اصلی تناثر شهر

انصراف داده است، گفت: ایشان از دوستان خوب من است. از او پرسیدم به نظرت من هم به دلیل انصراف گروه تو، نباید روی صحنه بروم؟! گسه او گفت تنها به این دلیل از اجرای نمایش منصرف شده‌ام که به من گفته شده باید اسم نغمه ثمینی، نویسنده این کار را برارم.

کیانیان اضافه کرد: اگر جلوی کار یک نفر را بگیرند، ۱۰۰ نفر دیگر باید به جای او روی صحنه بروند تا متوجه شوند حذف آدم‌ها کار اشتباهی است. نغمه ثمینی دشمن نیست بلکه افکار نمایشنامه‌نویسی ایران است.

لیلی رشیدی، دیگر بازیگر این نمایش هم با انتقاد از ممنوع‌الفعالیت شدن بعضی هنرمندان افزود: هیچ یک از ما از این سانسورها و ممنوع‌الکاری‌ها خوشحال نیستیم. سال‌هاست نظارت و سانسور به یک روند عادی تبدیل شده و مدام دایره محدودیت خود را بزرگتر کردیم اما این رویه درست نیست. این ممنوع‌الکاری‌ها به هنرمند ضربه می‌زند چون یک هنرمند زمان مشخصی برای خلافت هنری دارد و این ممنوعیت‌ها، فرصت کار خلاصه را از او می‌گیرد و به جامعه‌ای که خواستار پیرومندی از هنر اوست هم ضربه می‌زند. ما دل‌مان می‌خواهد مسئولان کنترلمان باشند اما گاهی حس می‌کنیم آنها و ما دو وجه‌های مارین ون هولک، بازیگر هلندی این نمایش که قبلا در چند نمایشنامه از نغمه ثمینی بازی کرده است، نیز گفت: هر کلمه نغمه ثمینی باعث رشد مخاطبان می‌شود و توقیف کلمات او این رشد را دچار مشکل می‌کند. حق ما نیست آثار او از ما گرفته شود.

در ادامه این نشست، گروه اجرایی که ابتدا قصد داشته نمایشنامه «پدر» را بار ترجمه مسالوات فرود اجرا کند و بعدا ترجمه دیگری را انتخاب کرده است توضیحاتی درباره حاشیه‌هایی که در فضای مجازی از سوی مترجم اول ایجاد شده بود، ارائه کردند.

دشت آری با ابراز تأسف از شکل گیری کمیته‌هایی در فضای مجازی در مخالفت با تناثر، گفت: تناثر آنچنان ضعیف شده که هر کس می‌تواند کمیته‌ای در مخالفت با آن راه بیندازد. ویدئویی که توسط خانم مترجم درباره نمایش ما ضبط شده، به پزند این نمایش و افراد حاضر در آن حمله کرده است بنابراین جای شکایت را برای خودم گذاشته‌ام تا

خبری از ناراحتی یا اعتراضی ایشان ندانستیم تا اینکه در آستانه بازیابی نمایش از طرف مرکز هنرهای نمایشی گفتند به دلیل شکایت این خانم، بازیابی نخواهیم داشت.

ما اسناد را ارائه کردیم و مرکز حق را به ما داد. تفاوت‌های هر دو ترجمه مشخص است. خانم مترجم باز هم کاری نکرد. او همسر کرد تا پیش فروش ما آغاز شود و ناگهان ویدئویی عجیب منتشر کرد که همه ما را متهم به دروغ‌گویی کرده بود. این یک تهمت بزرگ برای یک گروه نمایشی بود. تهمتی برنامه‌ریزی شده که بعدا بسا کمیته‌ای که با عنوان نه به گروه نمایشی پدر، نه به رضا کیانیان و نه به تناثر پدر راه اندازی شد، مشخص است که برنامه‌ریزی شده بوده است. فکر می‌کنم تنها دلیل این کارها این است که ایشان می‌خواهد، دیده شود و با مظلوم‌نمایی خود را قربانی نشان دهد.

او ابراز تأسف کرد: سرمایه‌های محدودی در تناثر داریم که قرار نیست هر کس در فضای مجازی آنها را نابود کند. کار به جایی رسیده که عسادی مرا تهدید می‌کنند و این درناک است.

در ادامه توضیحات دشت آری، رضا کیانیان که در ویدئوی مترجم اول نمایشنامه مسرور خطاب قرار گرفته، توضیح داد: ایشان در دایرکت اینستاگرام برای من پیام گذاشته بود که به دلیل حجم بالای پیام‌ها، پیامشان را ندیده بودم. از طرف دیگر پیدا کردن تلفن من کار دشواری نیست. منسلفه ایشان به سخنانی استناد می‌کنند که یک واسطه از زبان من نقل کرده و باز هم منسلفه در کشور ما عداوت کف پوش منتظرند، کسی با چیزی مخالفت کند و به دنبال او بروند، بدون اینکه در جریان واقعات باشند که این کار مصداق واقعی تشویش اذهان عمومی است.

او اضافه کرد: جالب است که حتی یکی از دوستان سیاسی من هم این ماجرا را پرس و جو کرد و وقتی مدارک را به او ارائه کردم، گفت: نمی‌شود اسم این خانم را یک جایی گوشه کنار بزیند؟ خانم مترجم (خطاب به رضا کیانیان در ویدئو) از من پرسیده که در ۲۳ سالگی هنوز می‌خواهم دیده شوم، در حالیکه من کارهایم را کرده‌ام و جایزه‌هایم را گرفته‌ام. اگر نقشی جالبی برایم نداشته باشد، نمی‌پذیرم، اما اگر این خانم دوست دارد کارش مطرح شود، چرا مرا گروگان می‌گیرد؟

کیانیان در بخش دیگری از این نشست، در پاسخ به این پرسشی که چگونه نقشی را بازی می‌کند که پیش از آن اتونسی هایکنیز با بازی در آن جایزه اسکار را گرفته، توضیح داد: اهل گل کل هستم، ضمن اینکه هایکنیز یکی از مهم‌ترین بازیگرانی است که دوستش می‌دارم. یکی از دلایل بازی من در این نمایش ویژگی دیدیه برداری کارگردان آن است. بعد از سال‌ها کار کردن با دکتر رفیعی نمی‌توانم در زندان کارگردان‌هایی بازی کنم و کار کنم که همه چیزشان از قبل مشخص است. از طرف دیگر همزمان با کار در تناثر در هیچ پروژه دیگری کار نمی‌کنم چون آن را کپی‌فرهوشی می‌دانم.

او کسه در این نمایش نقش پدر لیلی رشیدی را بازی می‌کنند، گفت: برای لیلی نگران نبودم، چون او در زندگی واقعی خودش با مسئله‌ای که این نمایش مطرح می‌کند مواجه شده است و به همین دلیل کاهی در تمرین‌ها حالت بد می‌شد اما نوازست میان نقش و واقعیت فاصله بیندازد که کار سختی بود.

مسخ عابر پیاده پشت چراغ قرمز

نقدی بر نمایش «تن داده» به کارگردانی منصور صلواتی



تماشاخانه دیوار چهارم، مردادماه امسال، نمایشگر نمایشی در قالب ایزورد است که این گونه نمایشی با توجه به رویکردها، محتوا و قالب خود، از سویی هواخواهان خاص خود و از سوی دیگر نیز بی توجهی های مربوط به خود را داراست. نمایش «تن داده» با آغاز خود، آدم‌هایی را در برابر دیدگان مخاطب روی صحنه می‌چیند که نشانی روشن و کاملی از خود بروز نمی‌دهند و گویا قرار هم نیست که هیچ آشنایی کاملی با یکدیگر داشته باشند و تنها هدف مشترک همه آن‌ها گذشتن از عرض خیابانی است که همگی آنان در پیاده‌رو یک بر این خیابان به انتظار ایستاده‌اند. نمایش با انتظار و گشتن کاراکترهای داستان در پی چیزی یا کسی آغاز می‌شود و پی گرفته می‌شود. گشتن آدم‌ها به دنبال چیزی یا کسی که خود کاراکتر هم نشان روشن و واضحی از آن چیز ندارد، از ویژگی‌های بارز نوع ادبیات ایزورد به شمار می‌رود که در این نمایش به خوبی بر آن تاکید می‌شود.

پیرمرد داستان نمایش، با ظاهر و شخصیت باتجربه‌اش و با قرارگیری‌اش در یک کنج آوانسن، به تنهایی، وزن پایان مسیر کاراکترهای دیگر داستان در ادامه مسیر زندگی‌شان را در خود جمع کرده و گاه و بی‌گاه بار تباطع معنایی‌اش با دیگر آدم‌های نمایش، انگیزه، رفتار و هدف این کاراکترها را به چالش می‌کشد و از پوچی، سرگردانی و حتی بی‌هدفی همه آن‌ها سخن به میان می‌آورد. او در اعتراض به پرسش‌های بی‌دری و مزاحمت‌های عابران بیان می‌دارد: «چرا هیچ‌کس نمی‌داره واسه خودم باشم؟» که این دیالوگ نشان از تنهایی و سرخوردگی و انزوای انسان ایزورد دنیای امروزی مسأله دارد. او در باره رویاپردازی‌های آدم‌های دور و بر خود نیز می‌گوید: «رویاپردازی تاوان سنگینی داره» که نشانی از به‌بن‌بست رسیدن انگیزه و نیروهای درونی آدم‌ها برای زندگی در واقعیت پیرامونی خویش و انگیزه آنان برای فرار به اتوپیای ذهنی آن‌هاست. مرد جوان دیگری که کیف به دست دارد و به نظرش رسیده مورد توجه دختر جوانی قرار گرفته است، می‌گوید: «خیلی خوشحالم که من رو می‌بینید» که این دیالوگ نشانی طنزآلود از تنهایی و مات بودن دید آدم‌های عصر امروز ما نسبت به یکدیگر است.

کارگردانی نمایش «تن داده» در قالب ایزورد، انگیزه بزرگ این کارگردان را در جایگاه نویسنده - کارگردان،

به خوبی به نمایش می‌گذارد. کارگردان با دراماتورژی خوبی از این متن ایزورد، نمایشی جذاب روی صحنه آورده است. شاید بتوان بزرگ‌ترین امتیاز کارگردانی این اثر نمایشی ایزورد را در ایجاد فضاهای ذهنی درونی آدم‌ها به موازات چالش‌ها و تعاملات واقعی آن‌ها در برابر یکدیگر دانست که این توانایی در کارگردانی نمایش ایزورد، بسیار حائز اهمیت است.

بازیگران نمایش «تن داده» نیز به خوبی با دراماتورژی کارگردان نمایش هماهنگ هستند. گرچه برخی از آدم‌های نمایش با یکدیگر دیالوگ‌هایی رد و بدل می‌کنند، ولی گویی هر یک از آنان به تنهایی روی صحنه نمایش حضور دارند و در واقع، هیچ تعامل درونی بین آن‌ها برقرار نمی‌شود و هر یک در واقع تنها به دنبال رسیدن به هدف خویش است. آدم‌هایی که تنها در دنیای کوچک درون خویش زیست می‌کنند و زیست بیرونی آن‌ها تنها محدود به رفتار قانونی آن‌ها در برابر یکدیگر و در برابر جامعه است، و از عشق، دلدادگی و آمیزش عاطفی و اخلاقی بین آن‌ها هیچ خبری نیست.

طراحی صحنه، دکور و اکسسوار نمایش «تن داده»، به خوبی از قالب ایزورد خود پیروی می‌کند. همه اکسسوار صحنه با یک چراغ راهنمایی و رانندگی، یک نوار راه‌راه خطوط عابر پیاده، و یک واگن زباله که در سوی مخالف و مورب این چراغ قرار گرفته، بیان می‌شود که خود بیانگر خلاصه‌شدن زندگی انسان امروزی در قانون و پس ماندگی در جامعه است. نمایش از نورپردازی تقریباً خوبی برخوردار است، گرچه نوع نورپردازی موضعی روی پیرمرد و کمرنگ بودن

نورپردازی دیگر نقاط صحنه، چندان موجه به نظر نمی‌رسد و اگر نورپردازی تخت و یکدست در کل صحنه با شدت بیشتری انجام می‌شد برای دید مخاطب نتیجه بهتری در بر داشت. نمایش از موزیک متن و یا میزاسنن موسیقایی چندان بر خوردار نیست که مشخصاً این هدف نیز در راستای ایجاد فضای بهتری در راستای فضای ایزورد انجام گرفته و از این دیدگاه، تصمیمی موجه به نظر می‌رسد.

نمایش «تن داده» با ورود پیرمرد به صحنه نمایش، و در حالت قرمز بودن چراغ آغاز می‌شود و با خروج پیرمرد نیز پایان می‌پذیرد، بی‌آن‌که چراغ سبز بشود و کسی بتواند بدون مشکل از عرض خیابان عبور بکند. «تن داده» با حضور یک چراغ قرمز راهنمایی و رانندگی که در کنجی از آوانسن و در کنار پیرمرد، پیوسته روشن است، حرف‌های بیشتری برای گفتن دارد. این چراغ قرمز در داستان، برای ایجاد سدی در برابر حرکت آدم‌های این نمایش، به خوبی نقش نیروهای فرادست قانونی و حکومتی را به ذهن متبادر می‌کند. چراغ قرمزی که هرگز رنگ عوض نمی‌کند تا راهی برای حرکت انسان‌ها به سوی اهداف‌شان را فراهم بسازد و اگر مردم، مانند آن چند جوان ماجراجو و بی‌باک، بدون توجه به آن از عرض خیابان گذر نکنند، با نیستی و نابودی روبرو خواهند شد.

«تن داده» روایتی ایزورد از محدودیت‌ها، چالش‌ها، انگیزه‌ها و خواست‌های انسان امروز است که هر روز بیشتر در این چالش‌ها و محدودیت‌ها به جسم جامدی مانند پیرمرد داستان نمایش تبدیل می‌شود تا عمر خود را بی‌حرکت و بی‌نتیجه به پایان ببرد.



تاریخ انتشار: سه شنبه ۱ شهریور ماه ۱۴۰۱ * ۰۸:۲۹

پیشنهادهای ویژه هفت صبح

زمان	مکان	بازیگران	کارگردان	نمایش
۱۹:۴۵	تماشاخانه سنگلج	بهروز پناهنده، کبهید تاراج	رضا بهرامی	پایین گذر سقاخانه
۱۸	تماشاخانه ایرانشهر	محمد رضا ایمانیان، رضا بهرامی	عرفان پورمحمدی	نفل
۲۰:۱۵	تئاتر شهر	آتیة جاوید، مریم معینی	زهره بهروزی نیا	مازی بزرگ
۲۱:۴۰	تماشاخانه ملک	امیر غفارمتش، جوانه دلشاد	شیمه خاسبی	شلم خدا حافظی
۲۰	تئاتر شهر	شیمه پروغان، شیوا تریانی	هادی جوری	تاوان
۲۱	تماشاخانه ایرانشهر	زهرا بهرامی، سناژ آقایی	صادق برقی	سفید
۲۰	تئاتر شهر	رضا کیانیان، لیلی رشیدی	آروند دشت آرای	یدر

مسخ عابر پیاده پشت چراغ قرمز نقدی بر نمایش «تن داده» به کارگردانی منصور صلواتی



تماشاخانه دیوار چهارم، مردادماه امسال، نمایشگر نمایشی در قالب ابزورد است که این‌گونه نمایشی با توجه به رویکردها، محتوا و قالب خود، از سویی هواخواهان خاص خود و از سوی دیگر نیز بی‌توجهی‌های مربوط به خود را داراست. نمایش «تن داده» با آغاز خود، آدم‌هایی را در برابر دیدگان مخاطب روی صحنه می‌چیند که نشانی روشن و کاملی از خود بروز نمی‌دهند و گویا قرار هم نیست که هیچ‌اشنایی کاملی با یکدیگر داشته باشند و تنها هدف مشترک همه آن‌ها گذشتن از عرض خیابانی است که همگی آن‌ان در پیاده‌رو یک بر این خیابان به انتظار ایستاده‌اند. نمایش با انتظار و گشتن کاراکترهای داستان در پی چیزی یا کسی آغاز می‌شود و پی گرفته می‌شود. گشتن آدم‌ها به دنبال چیزی یا کسی که خود کاراکتر هم نشان روشن و واضحی از آن چیز ندارد، از ویژگی‌های بارز نوع ادبیات ابزورد به شمار می‌رود که در این نمایش به خوبی بر آن تاکید می‌شود.

پیرمرد داستان نمایش، با ظاهر و شخصیت باتجربه‌اش و با قرارگیری‌اش در یک کنج آوانسن، به تنهایی، وزن پایان مسیر کاراکترهای دیگر داستان در ادامه مسیر زندگی‌شان را در خود جمع کرده و گاه و بی‌گاه با ارتباط معنایی‌اش با دیگر آدم‌های نمایش، انگیزه، رفتار و هدف این کاراکترها را به چالش می‌کشد و از پوچی، سرگردانی و حتی بی‌هدفی همه آن‌ها سخن به میان می‌آورد. او در اعتراض به پرسش‌های بی‌دری و مزاحمت‌های عابران بی‌جان می‌دارد: «چرا هیچ‌کس نمی‌ذاره واسه خودم باشم؟» که این دیالوگ نشان از تنهایی و سرخوردگی و انزوای انسان ابزورد دنیای امروزی ماسا دارد. او درباره رویاپردازی‌های آدم‌های دور و بر خود نیز می‌گوید: «رویاپردازی تاوان سنگینی داره» که نشانی از به‌بن‌بست رسیدن انگیزه و نیروهای درونی آدم‌ها برای زندگی در واقعیت پیرامونی خویش و انگیزه آنان برای قرار به اتوپیایی ذهنی آن‌هاست. مرد جوان دیگری که کیف به دست دارد و به نظرش رسیده مورد توجه دختر جوانی قرار گرفته است، می‌گوید: «خیلی خوشحالم که من رو می‌بینید» که این دیالوگ نشانی طنز آلود از تنهایی و مات‌بودن دید آدم‌های عصر امروز ما نسبت به یکدیگر است.

کارگردانی نمایش «تن داده» در قالب ابزورد، انگیزه بزرگ این کارگردان را در جایگاه نویسنده - کارگردان،

به خوبی به نمایش می‌گذارد. کارگردان با دراماتورژی خوبی از این متن ابزورد، نمایشی جذاب روی صحنه آورده است. شاید بتوان بزرگ‌ترین امتیاز کارگردانی این اثر نمایشی ابزورد را در ایجاد فضاهای ذهنی درونی آدم‌ها به موازات چالش‌ها و تعاملات واقعی آن‌ها در برابر یکدیگر دانست که این توانایی در کارگردانی نمایش ابزورد، بسیار حائز اهمیت است.

بازیگران نمایش «تن داده» نیز به خوبی با دراماتورژی کارگردان نمایش هماهنگ هستند. گرچه برخی از آدم‌های نمایش با یکدیگر دیالوگ‌هایی رد و بدل می‌کنند، ولی گویی هر یک از آن‌ان به تنهایی روی صحنه نمایش حضور دارند و در واقع، هیچ تعامل درونی بین آن‌ها برقرار نمی‌شود و هر یک در واقع تنها به دنبال رسیدن به هدف خویش است. آدم‌هایی که تنها در دنیای کوچک درون خویش زیست می‌کنند و زیست بیرونی آن‌ها تنها محدود به رفتار قانونی آن‌ها در برابر یکدیگر و در برابر جامعه است، و از عشق، دلدادگی و آمیزش عاطفی و اخلاقی بین آن‌ها هیچ خبری نیست.

طراحی صحنه، دکور و اکسسوار نمایش «تن داده»، به خوبی از قالب ابزورد خود پیروی می‌کند. همه اکسسوار صحنه با یک چراغ راهنمایی و رانندگی، یک نوار راه‌راه خطوط عابر پیاده، و یک واگن زباله که در سوی مخالف و مورب این چراغ قرار گرفته، بیان می‌شود که خود بیانگر خلاصه‌شدن زندگی انسان امروزی در قانون و پس‌ماندگی در جامعه است. نمایش از نورپردازی تقریباً خوبی برخوردار است، گرچه نوع نورپردازی موضعی روی پیرمرد و کمرنگ‌بودن

نورپردازی دیگر نقاط صحنه، چندان موجه به نظر نمی‌رسد و اگر نورپردازی تخت و یکدست در کل صحنه با شدت بیشتری انجام می‌شد برای دید مخاطب نتیجه بهتری در بر داشت. نمایش از موزیک متن و یا میزانشن موسیقایی چندانی برخوردار نیست که مشخصاً این هدف نیز در راستای ایجاد فضای بهتری در راستای قضای ابزورد انجام گرفته و از این دیدگاه، تصمیمی موجه به نظر می‌رسد.

نمایش «تن داده» با ورود پیرمرد به صحنه نمایش، و در حالت قرمزبودن چراغ آغاز می‌شود و با خروج پیرمرد نیز پایان می‌پذیرد، بی‌آن‌که چراغ سبز بشود و کسی بتواند بدون مشکل از عرض خیابان عبور بکند. «تن داده» با حضور یک چراغ قرمز راهنمایی و رانندگی که در کنجی از آوانسن و در کنار پیرمرد، پیوسته روشن است، حرف‌های بیشتری برای گفتن دارد. این چراغ قرمز در داستان، برای ایجاد سدی در برابر حرکت آدم‌های این نمایش، به خوبی نقش نیروهای فرادست قانونی و حکومتی را به ذهن متبادر می‌کند. چراغ قرمزی که هرگز رنگ عوض نمی‌کند تاراهی برای حرکت انسان‌ها به سوی اهداف‌شان را فراهم بسازد و اگر مردم، مانند آن چند جوان ماجراجو و بی‌باک، بدون توجه به آن از عرض خیابان گذر نکنند، با نیستی و نابودی روبه‌رو خواهند شد. «تن داده» روایتی ابزورد از محدودیت‌ها، چالش‌ها، انگیزه‌ها و خواست‌های انسان امروز است که هر روز بیشتر در این چالش‌ها و محدودیت‌ها به جسم جامدی مانند پیرمرد داستان نمایش تبدیل می‌شود تا عمر خود را بی‌حرکت و بی‌نتیجه به پایان ببرد.

همان همیشگی

نگاهی به نمایش «تراژدی مکبث» به کارگردانی مهدی اصغریان



نمایش «تراژدی مکبث» نوشته ویلیام شکسپیر با دراماتورژی و کارگردانی مهدی اصغریان داستان مکبث، سرداری شجاع است که در نبرد سخت با هجوم نیروی‌ها پیروز شده و به فرمانروای خود خدمت بزرگی کرده است؛ مورد توجه و تقدیر پادشاه دانکن قرار می‌گیرد و حکومت کودور به او داده می‌شود. به دست آوردن منصب تازه، قهرمان قصه را وسوسه می‌کند تا با از بین بردن پادشاه، خود بر تخت پادشاهی اسکاتلند بنشیند؛ خواهران جادوگر و الهه قدرت نیز شدیداً به این وسوسه دامن می‌زنند و هر جا ناامید می‌شوند از طریق همسر مکبث (لیدی مکبث)، او را به سمت خیانت به پادشاه و عملی کردن این کار تشویق می‌کنند. آن‌ها تصمیم می‌گیرند در شبی که پادشاه مهمان خانه‌شان است، نقشه شوم خود را اجرا کنند. در انتهای داستان، مکبث که به پادشاهی رسیده است در جنگی و برخلاف پیشگویی خواهران جادوگر، کشته می‌شود و همسر او نیز در عذابی سخت از وجدان درونی، دست به خودکشی می‌زند... این نمایش، پرده‌ای کوتاه از تقابل الهه عشق و قدرت در زندگی مکبث است. «تراژدی مکبث» نیز یک فیلم دلهره‌آور تاریخی آمریکایی محصول سال ۲۰۲۱ به نویسندگی و کارگردانی جوثل کوئن است که براساس نمایشنامه مکبث اثر ویلیام شکسپیر ساخته شده است.

اقتباس در دنیای تئاتر و سینما امری معمول است اما اجرا کردن نمایشنامه‌های شهیری از بزرگان

ادبیات جهان چون شکسپیر جسارت و نوآوری در نوع خود می‌طلبد چرا که بعد از گذشت این همه سال مخاطب به دنبال دیدن نمایشی نو یا حداقل با کیفیت‌تر از پیش است؛ در غیر این صورت مخاطب به تماشا اثر بارها شنیده و شناخته شده نمی‌نشیند. برای تماشا مکبث مهدی اصغریان باید از قبل مکبث را بشناسید و یا نمایشنامه را خوانده باشید در غیر این صورت بعید است با تماشا نمایش چیزی از اصل داستان عایدتان شود. در نمایش تنها مکبث و همسر او به عنوان کاراکتر واقعی حضور دارند. باقی نقش‌ها کاراکترهایی خیالی هستند که نمادی از درون مشوش و ناآرام مکبث هستند. کاراکترهایی که در فضای وهم آلود به هر چه شلوغ‌تر شدن نمایش دامن زده‌اند. بازیگران زن سیاه‌پوش که با صدایی خفه و رعب‌آور در صحنه حضور دارند، دیالوگ‌های مبهم و تاحدودی نامفهوم را بیان می‌کنند که گویی نماد لکه‌های گناه در زندگی مکبث بوده‌اند. دو بازیگر دیگر هم با پوشش سفید و قرمز تداعی کننده

نفس لوامه و اماره او می‌تواند باشد. شاید نوآوری این اثر را به تصویر کشیدن درونیات روحی مکبث در قالب یک پرده دانست اما این مخاطب تئاتر است که باید پاسخ دهد که این امر برای او تماشایی یا راضی‌کننده بوده است؛ یا آنکه تنها به شلوغ‌تر شدن و سقوط یک اثر فاخر در سطح جهان و تاریخ انجامیده است چرا که تنها لزوم نوآوری در هنر کافی نیست؛ مخاطب هم باید آن را بپذیرد و پس نزند. مهم‌ترین نقطه مثبت «تراژدی مکبث» که به بهتر شدن هر چه بیشتر نمایش کمک کرده است را می‌توان نورپردازی و طراحی صحنه آن دانست که درست و در جای خود فضا را وهم‌آلود و در جایی دیگر خوف‌انگیز می‌کند. همچنین موسیقی اثر هم در نوع خود بی‌نظیر و کمک‌کننده عمل می‌کند. اجرای «تراژدی مکبث» تا ۱۵ شهریور از ساعت ۳۰ به مدت ۵۵ دقیقه در سالن ۳ تماشاخانه شهرزاد روی صحنه می‌رود و علاقه‌مندان برای دریافت اطلاعات بیشتر و تهیه بلیت می‌توانند به سایت تیوال مراجعه کنند.



تاریخ انتشار: سه شنبه ۱ شهریور ماه ۱۴۰۱ * ۰۸:۲۸

نقد و نظری بر اجرای نمایش «پیش از کشتن» به کارگردانی «آرش دادگر» بالاخره یک تئاتر واقعی!



دکتر مجید گیاهچی

در این که مواجه شدن با «پیش از کشتن»، مواجهه با یک تئاتر است، تردیدی نیست، شاید این جمله بدیهی و غریب و تعجب برانگیز به نظر برسد اما در کمال تأسف، هرچه پیش تر می‌رویم، وضعیت آنچه امروز بر صحنه‌های تئاتر ایران به اجرا درمی‌آید، در حال پیچیده‌تر شدن است و رنگ و بوی تئاتر بودنشان مداوماً کم‌تر و خفیف‌تر می‌شود، یعنی دیگر با تماشای عمده نمایش‌هایی که در این روزها بر صحنه‌اند، اید احساس مواجهه با یک تئاتر، به تماشای تئاتر شناس دست نمی‌دهد. این بی‌حسی گسترش‌یافته، این کرختی و عقیمی و خودفریبی مسکن‌وار و موقتی،

بی‌مانع و مقاومتی از یک‌سو و در برابرش با انواع تلاش‌های تسریع‌کننده و حدت‌بخش از سوی مقابل، هر روز پیشرفت بیش‌تری دارد. عدم بهر ت حمایت لازم از تئاتر به‌عنوان یک پایگاه مهم حفظ و اعتلای بایسته فرهنگی در هر جامعه پویا، برآیند تاملات و خواست عمده تماشاگران امروز تئاتر، که هنوز توان پرداخت وجهی بیشت از آنچه را برای اصلی‌ترین و بدیهی‌ترین نیازهای معیشتی لازم است دارند، تعیین‌کننده می‌شود و در کنار سخت‌گیری‌ها و محدودیت‌های روزافزون و سبیری‌ناپذیر میزبان، که معلوم نیست قرار است تا کجا پیش بروند و حد بقعی نمی‌شناسند، در ترکیب با نقش دلالتان و سلطه پول و سرمایه که منجر به محافظه‌کاری بیش‌تر و خودسانسوری و سانسور مضاعف شده است، در مسیری معکوس هر روز بیش از قبل، تئاتر را از ماهیت و رسالت و دانش دورتر می‌کند و تئاتر و هنرمندان راستین و مستقل را منزوی‌تر و محدودتر تا آنجا که عطای کن دادن به چنین تنازل و تنازع بقای ناگزیر و غیر شرافتمندانه را به نقابش بیخشد و میدان را برای ترک‌تازی دلالتان و نان به نرخ روز خوردن به‌سرعت متکثر شونده، بیش‌از پیش خالی بگذارد.

چون بسیاری از موضوعات، از مسائل و بحران‌های کمتر مورد توجه حوزه محیط‌زیست گرفته تا به رسمیت شناختن نقش و تأثیر مردم در مناسبات و تصمیم‌گیری‌ها و تا انواع و اقسام فشارها و محدودیت‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و اعمال مدیریت‌های اقتضایی و بی‌برنامه و بی‌پشتوانه عقلی و علمی، به نظر می‌رسد دیگر امیدی هم به همان معدود گوش‌های احتمالی تا کنون بی‌توجه مانده، برای شنیدن فریاد و دادخواهی و تظلم‌خواهی‌های وارد به استخوان‌رسیدگان که تا به امروز نتیجه‌ای جز فرسایش بیش‌تر و آزدگی بی‌حاصل دست و زبان و چشم و گوش‌ها نداشته، نیست؛ و تئاتر هم چون بسیاری دیگر از موضوعات، در انتظار معجزه‌ای حالا دیگر شاید بعید است، بی‌آنکه امید و چشم‌انداز مشخصی برای تحقق آن وجود داشته باشد «پیش

تأثیر ترازیک اثر، فائق آمده و منجر به چنین غفلتی شده است. بگذریم از این که میزان و چگونگی ارتباط مخاطب و تماشاگری که با اسطوره‌ی اگامنون و جنگ دده‌ساله تروا و قربانی کردن فرزند و ازدواج دومش با کاساندرا و کشته شدن هر دوستان به دست همسر

نخست در هم‌دستی خائنه با برادرزاده‌اش، و انتقام فرزندانش (الکترا و اورست) از مادر و... آشنا نیست با این نمایش، بسیار دشوار و شاید حتی ناممکن به‌نظر می‌رسد، در جایی که حتی ارتباط تماشاگر آشنا با داستان هم نمی‌تواند پیوستگی خود را حفظ کند و گاه دچار اختلال می‌شود که می‌توان آن نتیجه نوعی آشفتگی و شتاب‌زدگی کلی نمایش دانست، به‌خصوص که تعدد شخصیت‌ها و ایفای هر نقش توسط چند بازیگر و جابه‌جایی در ترتیب زمانی نمایش رویدادها و استفاده از فلاش‌بک‌ها و فلاش‌فورواردها، به همان میزان که ممکن است در بسیاری لحظات برای تماشاگران حرفه‌ای‌تر تئاتر، با ایجاد فرصت امکان بازیابی و چین این قطعات پراکنده پازل در کنار هم و در یافتن مقصود و معنا، یا حال و فضا و پریش‌های موردنظر پدیدآورندگان، یا شنخصی و کامل‌تر کردن آن‌ها، جذابیت داشته باشد اما به همان نسبت و حتی شاید بیش از آن، می‌تواند برای تماشاگر بی‌اطلاع از پشت‌توانه چند داستان درهم‌آمیخته، هرچند مرتبط به هم، دشوار و حتی ناممکن بوده، ارتباط او را با نمایش مختل بکند.

این موضوع یک مشکل عمومی در بسیاری از اجراهای جدی و حرفه‌ای تئاتر است، جایی که پیش‌یافتادگی و بدیهی بودن موضوعات برای هر گروه نمایش، که ناشی از کثرت و تکرار مکرر تمرینات با تمایلی انکارناپذیر به حذف اضافات و فشرده و استلیزه کردن است، بی‌جهت به تماشاگری که تنها فرصت یکبار مواجهه با اثر را دارد، تعمیم داده می‌شود و توجهی به فراهم کردن زمان و تأکید لازم برای دریافت مناسب وقایع و مناسبات نمی‌شود؛ موضوعی که می‌تواند منجر به گسستگی ارتباط مخاطبان با اثر باشد و البته یک‌راه قابل توجه برهیز از آن، ایجاد امکان

از «کشتن» هم بازتاب کامل و دقیقی از همین اوضاع و احوال، به‌دوراز هر کورسویی از امید است که کمابیش در همه جهان، قطعاً با تفاوت‌هایی (گاه البته فاحش)، با آن روبه‌رویم؛ وضعیتی که در چهارچوب مرزهای جغرافیایی خودمان و در منطقه‌ی بلاخیزمان، رنگ و بویی به‌مراتب پر وضوح‌تر و ملموس‌تر و عربان‌تر می‌یابد. چرخه بی‌پایان خشونت و قساوت و ظلم و بی‌عدالتی آشکار و سبیری‌ناپذیر و وقیحانه، بی‌آنکه امیدی به پایداری باشد، از نغزین خاندان اساطیری آرتوروس در یونان، با قدمتی بیش از سه هزار سال، تا امروز استمرار و دنباله می‌یابد و تمامی تلاش‌های انسان‌های آگاه و تحول‌خواهی که در جست‌وجوی آزادی و عدالت و برابری و برخورداری از زندگانی‌ای درخور شان و مقام انسانی، برای یکایک انسان‌های برخوردار از موهبت‌های انبیا و نبی‌ها هستند، با بی‌هیج مرزبندی و تفکیکی، و تمام دیگر موجودات، از جانوران گرفته تا گیاهان و زمین و آسمان و هوا و کوه و جنگل و دریا و به‌کلی طبیعت و هستی را تبلیغ و جست‌وجوی کنند، به‌رغم فرازهایی ناپایدار، متأسفانه تاکنون بی‌نمر و محتوم به شکست به‌نظر می‌رسد. نمایش‌نامه «پیش از کشتن» بر مبنای سده‌گانه جاودانه و بسیار حائز اهمیت اورستیا، اثر یکی از بزرگ‌ترین نمایش‌نامه‌نویسان تمام اعصار، اشیل، نگاشته شده و هرچند نویسنده و دراماتورژ در بازنویسی و بر صحنه آوردن این نمایش، در حفظ گفتار و فضای ترازیک، در کنار آنچه خود افزوده و برجسته کرده، یا توأم با نوآوری‌هایی بازتعریف کرده‌اند، مجموعه‌ی موفق به نظر می‌رسند و نمایش‌نامه از یکدستی و وفار کلی آثار ترازیک برخوردار است و در مقاطعی به احساس مواجهه با یک تراژدی نزدیک می‌شود اما به آن احساس عمیق و نساب و عظیم مورد انتظار از مواجهه با یک تراژدی دست نمی‌یابد، شاید به آن خاطر که تجربه چنین احساسی از اساس موردنظر کارگردان و گروه نبوده یا شاید به دلیل آن که تعهدات و دل‌مشغولی‌های سیاسی نویسنده و دراماتورژ، بر وجه شکل‌دهنده به ساختار و

نمایش خصوصی برای تماشاگران خاص و متفاوت، در مرحله‌ی نهایی تمرینات و پیش از اجرای عمومی هر اثر، و توجه دقیق به نقطه‌نظرات آنان و حتی بسنده نکردن به طرح نظرات و طرح پرسش‌های لازم از آنان است. «پیش از کشتن» یک تئاتر است، در تئاتر با اجزایی منفک و مستقل از هم روبه‌رو نیستیم، با کلیتی یکپارچه و هماهنگ به‌عنوان میزبان روبه‌رویم که حاصل کاری گروهی به رهبری کارگردان است. اینجاست که می‌توان دید چه طور بازی‌ها هم‌سطح و پذیرفتنی است و بازیگران سابقه در کنار تازه‌کاران و حتی هنرجویان، کیفیت قابل قبول و حتی قابل توجهی از بازی ارائه شدند صرفه‌جویانه میل می‌یابند اما به حال خود رها نمی‌شوند و تنها با برخی تغییرات جزئی و ساده، هویت می‌یابند و تلاش می‌شود حداکثر هماهنگی لازم به منظور نیل به اهداف و مقاصد نمایش را تأمین بکنند. هر کسری و کمبودی با کمک دیگر امکانات، تا جای ممکن بهبود یافته و اصلاح می‌شود، مثلاً از طریق نورپردازی (به‌رغم تمام محدودیت‌های شدید منابع نوری سالن)، یا انتخاب مناسب و هوشمندانه‌ی اکسسوار و طراحی گریم هوشمندانه، یا انتخاب افکت و موسیقی و فراهم آوردن فضای شنیداری مناسب (هر چقدر هم که تقاطعی به نظر برسد که در نسبت با مقاصد اجرا، توجه‌پذیر است)، یا استفاده‌ی مناسب از سکوت و ترازیک، و بالاخره با انتخاب سبک و شیوه‌ی مناسب و تمهیدات لازم کارگردانی برای ایجاد حال و فضای مناسب اجرا، تلاش می‌شود تا کمبودهای هر بخش تشکیک‌دهنده‌ی کل ساختار، جریان بشود؛ بنابراین با مجموعه‌ی همگن، برخوردار از تمرکز و تمرین و جدیت و هماهنگی لازم و موردانتظار از یک تئاتر مواجه می‌شویم که برخلاف بسیاری مواجهات امروز در سالن‌های تئاتر، تأثیرگذار و به‌یادماندنی است.

نگاهی دوباره به نمایش هملت پشت کوهی داستان زندگی چند نفر



پژمان دادخواه
روزنامه‌نگار و منتقد تئاتر

بسیار دخیل بوده و در طول نمایش شخصیت‌ها بر این پایه تعریف می‌شوند؛ شخصیت‌های که هر کدامشان دارای ویژگی‌های خاص بوده و نماینده بخشی از مردم زمانه خودشان هستند. در طول قصه به نوعی روابط از هم گسیخته افراد خانواده نشان داده می‌شود که ماحصل مسائل فردی و جمعی هستند و از لحاظ جنبه‌های روان‌شناختی و اجتماعی قابل بررسی‌اند، مثل پسر خانواده که در کودکی به خاطر دزدی انبه، توسط پدر شدیداً تنبیه شده و بعداً به سمت خلاف رفته یا ازدواج دختر خانواده به خاطر مسائل مادی که هر کدام از این‌ها در بلندمدت به شکل‌گیری مشکلات عمیق‌تر و بغرنج دامن زده است. متن منسجم است و شخصیت‌پردازی‌ها به خوبی صورت گرفته و ابعاد و جنبه‌های مختلف شخصیت‌ها به مرور مشخص می‌شود. حتی شخصیت‌های غایب هم نقش مهمی در پیشبرد قصه دارند و می‌توانند هم‌تراز شخصیت‌های حاضر در صحنه در نظر گرفته شوند. ریتم بازی‌ها به شدت خوب است و همین مسئله تماشاگر را تا آخر با خود همراه می‌کند و منجر به همذات‌پنداری می‌شود. بازیگرها بسیار باورپذیر بازی می‌کنند و مخاطب با آن‌ها همراه شده و به نوعی به همان دهه سفر می‌کند. این نمایش را می‌توان یک اثر موفق انسانی و اجتماعی در نظر گرفت که فرا متن‌های مختلف در شکل‌گیری آن دخیل بوده‌اند و می‌تواند سندی از زمانه‌ای باشد که با خلاقیت هنرمند به‌عنوان اثر هنری ارائه شده و بخش اعظمی از زیست و احوالات مردمان یک دهه را نمایش می‌دهد.

نمایش «هملت پشت کوهی» به نویسندگی و کارگردانی ابراهیم پشت کوهی که در سالن چهارسو تئاتر شهر اجرا شد، روایتگر زندگی یک خانواده در جنوب کشور است که در این اثر پیوند با ساختارهای اجتماعی را آشکار می‌یابیم و مخاطب با دیدن این نمایش با بسیاری از مسائل از جمله باورها و عقاید، فرهنگ، رسوم، رخدادهای و مسائل اجتماعی در اواخر دهه ۶۰ آشنا می‌شود. به عبارتی مسائل و رخدادهای اجتماعی و فرهنگی زیرساختی برای متن است که به صورت پر رنگ دیده می‌شود و در داستان نمایش، شخصیت‌پردازی، طراحی صحنه و لباس دخیل هستند. در این اثر که با بیان صریح و بدون تکلف و فخرفروشی، سعی در بازتاب اجتماع دارد، اتاق یک خانه دیده می‌شود که تمامی جزئیات آن به دقت انتخاب شده و چه به صورت صریح و چه به صورت ضمنی دارای معنا و مفهوم هستند و با کمی تأمل و ممارست در حصول معنا بسیاری از مسائل برای مخاطب آشکار می‌شود. از انتخاب رنگ حاکم بر اتاق و دیوارها گرفته تا جزئیاتی مثل کمد دو برادر و غیره که هر کدام از این جزئیات در راستای طرح مسئله و بسط فضای کار موفق عمل کرده‌اند. همچنین در شکل‌گیری روابط این آدم‌ها و رخدادهایی که شاهد هستیم، مسائل اجتماعی

همزمان با نشست تئاتر «بدر» مطرح شد هنرمندان و مدیران روبروی هم نباشند

کلیات رضا گیانیان: نغمه تسمی دشمن نیست!

کلیات نشست خبری نمایش بدر به نویسندگی فلوریان زلز و کارگردانی آرمند مشتازای با حضور رضا گیانیان، لیلی رشیدی، مسوگل خلیق، سعید چنگیزیان و مارین ون هولک، به عنوان بازیگران این اثر ظهر دیروز خوشبختانه ۳۱ مرداد -سه- در تالار مشاهیر مجموعه تئاتر شهر برگزار شد.



*** ایفای هنر بازیگری ارتباطی به بلندی و کوتاهی نقش ندارد**
گیانیان در ابتدای این نشست با بیان این که مهم‌ترین کار و حرفه من بازیگری است یادآور شد: با وجود آن که خوشحالم که با یک گروه حرفه‌ای و خوب همراه هستم اما در فاصله کم‌تر از یک هفته به اجر اهتوز هم با وجود سابقه بارها اجرای صحنه‌ای و ایفای نقش جلوی دوربین اضطراب شدیدی دارم.
وی ادامه داد به جز خاتم مارین ون هولک با تمامی اعضای گروه اولین بار است که تجربه بازی روی صحنه را دارم اما به یک اصل متقدم و آن این که بازیگر در حضور صحنه باید توانایی خود را نشان بدهد و این توانایی از نمایشی به کنایه ای بلندی نقش ندارد.
این بازیگر پیش‌گفتار کرد: از حضور سعید چنگیزیان و ایفای نقش در این اثر نمایشی بسیار خوشحالم، چرا که او نقشی کوچک را انتخاب کرده اما خواهید دید که این نقش چگونه بزرگ و درخشان خواهد بود. من نیز بیشتر تمایل به پذیرفتن نقش‌های کوچک و نقش‌های چالش‌برانگیز دارم، چرا که احساس می‌کنم برخلاف همه که به دنبال تعداد کلمات و بلندی نقش هستند این چالش‌برانگیز بودن و چندوجهی بودن شخصیت است که می‌تواند هنر بازیگری و عیار او را به مخاطب نشان دهد.

*** در بازیگری اهل کل کل هستم**
گیانیان در فرای دیگری از صحبت‌های خود درباره ایفای نقش یک مرد پادشاه گفتگوشه که گرفتار بیماری ازایم شده یادآور شد: پیش از این یکبار نقش یک بیمار ازایمی را از قشری متوسط و ایرانی بازی کردم. حال در قامت یک کاراکتر خارجی که متعلق به قشر متوسط روستا بالاست نقش فردی را بازی می‌کنم که درگیر همین بیماری است. این زیباترین چالش بازیگری برای من است که بیستم می‌توانم با شش‌هفت؛ عقابیت هر دو نقش و دو شخصیت متفاوت را به‌درستی به مخاطب ایفا کنم یا خیر!
این بازیگر با بیان آنکه بارها به من گفته‌اند که با وجود اجرای این اثر نمایشی در کشورهای مختلف جهان و مساحت فیلم «بدر» به کارگردانی فلوریان زلز نمایشنامه‌نویس این اثر و درخشش آن در اسکار برای ایفای این نقش را پذیرفته‌اند خلع‌نشان کرد. نخست آنکه من کل کل در بازیگری را دوست دارم، دوم اینکه وقتی من ایفای نقش این کاراکتر که پیش از این توسط آنتونی هاپکینز بازی شده را می‌دیدم در کنار لذت پیشنهادهایی هم برای صحنه‌ها و کنش‌های مختلف این کاراکتر داشتم و حال در صحنه تئاتر از ایفا خواهم کرد.
بازیگر نمایش یک روز خاطر ناگهانی برای دانشمندان بزرگ و توضیح کرد: ایلی رشیدی به‌عنوان دیگر بازیگر این اثر نمایشی برای پذیرفتن این نقش چالش‌های سخت‌تری داشت، چرا که در ماه‌های پایانی زندگی جناب داوود رشیدی او از نزدیک تجربه هر خورد با چنین بیماری را از نزدیک لمس کرده بود، به همین دلیل بارها در حین تمرین این اثر نمایشی سخت به گریه افتاد. اما در نهایت توانست بین خود و کاراکتری که ایفا می‌کند فاصله‌های را ایجاد کند و این نشان دهنده قدرت او در عرصه بازیگری است.

*** به بازیگری مثل کار کارمندی فکر نمی‌کنم**
گیانیان در ادامه این نشست با اشاره به آنکه من یک بازیگر بداهه پردازم و ممکن است در لحظه ۱۰ دقیقه به دهنم برسد و تمامی توأم با کارگردان‌هایی که من را در چهار چوب قرار می‌دهند. کار کنم گفت: زمانی که تئاتر کار می‌کنم هیچ وقت فیلم یا سریالی را نمی‌پذیرم. چون نیاز به کشف و خلاقیت دارم و به بازیگری مثل کار کارمندی فکر نمی‌کنم. من باید روی کارم متمرکز باشم و بر این مرحله تمرین در تئاتر بسیار مهم‌تر از زمان اجرا است.

*** منظور یک بازی کاملاً متفاوت از رضا گیانیان داشتم**
مشتازای درباره انتخاب این متن برای اجرا بیان کرد: منظور یک بازی کاملاً متفاوت از رضا گیانیان باشم. آقای گیانیان به دلیل روحیه منحصر به فرد، انرژی و نوع نگاهش که به بازیگری داشتند و مبتنی بر بداهه پردازی است انتخاب مناسبی برای اجرای این نقش هستند.
وی ادامه داد: من بعد از سال‌ها که آثارم را به صورت کارهای شکل می‌دادم تصمیم گرفتم به متن بازگردم از طرف دیگر نمایشنامه «بدر» این امکان را به شاعر می‌دهد که تمام کارهای را که مد نظر تان است، انجام دهد چون اثری بر از فراز و فرود است. خیلی‌ها به من می‌گفتند که چرا «بدر» را انتخاب کردی چون خود فلوریان زلز (نمایشنامه‌نویس این اثر) فیلم آن را با بازی خوب آنتونی هاپکینز ساخته است اما من فکر می‌کنم اصولاً این اثر مناسب صحنه است و باید به شکل یک تئاتر اجرا شود.

*** کیفیت متن و حضور گیانیان دلیل حضور لیلی رشیدی و سعید چنگیزیان**
سعید چنگیزیان نیز یادآور شد: در گذشته‌های دور که برای اولین بار آقای گیانیان را روی صحنه دیدم هرآنچه را که در کتاب‌ها خوانده بودم در بازی ایشان پیدا کردم و آدم دیگر چه چیزی می‌خواهد. الان هم بعد از تجربیاتی که به دست آوردم برای کمک آمده‌ام تا هر چه از دستم برمی‌آید منتقل کنم. لیلی رشیدی نیز درباره دلیل حضورش در این نمایش بیان کرد: در کنار مشتازای و هم خود من باعث شد دوست داشته باشم در این نمایش حضور داشته باشم.
*** باید به ازای هر یک، نظری که کار نمی‌کند ۱۰ نفر کار کنند**

دشت‌آری درباره ممیزی‌ها و ممنوع‌الکاری‌هایی که این روزها شدت گرفته است، تاکید کرد: باید بشنیم و گفتگو کنیم و اگر پذیرفتیم که در این شرایط کار کنیم مجبوریم که با هم به تعامل برسیم. این ممنوع‌الکاری‌ها برای همه ما تراحت‌کننده است. من سال‌ها با نغمه تسمی کار کردم و تراحت من مشکلی که برایشان به وجود آمده باید به ازای هر یک نفری که کار نمی‌کند ۱۰ نفر کار کنند چون تئاتر باید زنده بماند. ما قوانین را رعایت می‌کنیم و می‌پذیریم که طبق این قوانین کار کنیم اما بر خوردهای سلیقه‌ای است که ما را تراحت می‌کند.

*** تندترین انتقادها را به مسئولان داشتم اما با گفتگو حل شده است**
گیانیان نیز در این باره توضیح داد: من از قدیم اهل گفتگو بودم. تندترین انتقادات را به مسئولان داشتم اما زمانی که با آن‌ها وارد گفتگو شدم همه چیز حل شده است. چون فکر نمی‌کنم مسئولان دشمن ما هستند و هیچکس نمی‌تواند ادعا کند اگر جای هر مسئولی باشد بهتر بر خورد می‌کند چون آنها هم در کارشان با دستورانی از جانب پالیسی‌هایشان روبرو هستند. گفتگو چیزی است که در کشور ما معقول مانده است. ما نباید روبروی هم قرار بگیریم و جامعه را دو قطبی کنیم.

دم خروسی که از لباس یک شبه روشنفکر تئاتری بیرون زد

چندی پیش انصراف یک کارگردان به اصطلاح روشنفکر تئاتری از اجرا در مجموعه تئاتر شهر باعث ایجاد حواشی در فضای فرهنگ و هنر کشور شد، این انصراف در حالی صورت گرفت که کارگردان مورد نظر با انتشار بیانیه‌ای سانسور و ممیزی احتمالی، ممنوع‌الفعالیت بودن نویسنده و به استناد تحلیل‌های شخصی، فضای به تعبیر او بسته تئاتر در دولت سیزدهم را علل اصلی انصراف ذکر می‌کند. بیانیه‌ای که به محض انتشار با ذوق زدگی هم‌مسلمانان این کارگردان تئاتری همراه شد و به بهانه حمایت از آن مشغول عقده‌گشایی نسبت به سیاست‌های فرهنگی و هنری دولت سیزدهم شدند!

اما روز گذشته روابط عمومی سازمان ساترا طی اطلاعیه خبر از صدور مجوز یک سریال نمایش خانگی با نویسندگی محمدرضایی راد و نغمه ثمینی داد که نشان می‌دهد این کارگردان به همراه نویسنده‌اش درگیر تولید یک سریال شده‌اند و عملاً انصراف از اجرا بیش از آنکه به دلایل متوهمانه کارگردان مربوطه باشد مشغله برای نوشتن در یک سریال نمایش خانگی و به تبع کسب درآمد بیشتر بوده است.

البته این نکته نیز حائز اهمیت است که از ابتدا نیز کاملاً مشخص بود اجرای این کارگردان نه تنها مورد استقبال قرار نخواهد گرفت که با روی صحنه رفتنش هم دچار شکست مالی خواهد شد و نیز اندک اعتبارش را از دست خواهد داد؛ نقشه‌ای نخ نما شده که سالیان سال است توسط هم‌مسلمانان این کارگردان در حوزه هنرهای نمایشی صورت می‌گیرد.

حال باید این پرسش را از حامیان ذوق زده کارگردان روشنفکر نمای تئاتری پرسید که دم خروس را باور کنیم یا بیانیه سراسر متوهمانه ایشان را؟